

نام کتاب : گزیده ای از احادیث نهج الفصاحه :

تنظیم و انتخاب احادیث و PDF : علیرضا ملکی

در این مجموعه حدود ۷۵۰ حدیث از احادیث گهربار پیامبر اسلام (ص) انتخاب شده است..

مقدمه ای دربارهٔ نهج الفصاحه :

۱. نهج الفصاحه، مجموعه‌ای است از سخنان حضرت رسول «ص». (در موضوع فضایل و اخلاق) فراهم آورنده و مترجم آن، دانشمند و ادیب فقید، ابوالقاسم پاینده نجف آبادی است. (متوفای شهریور ۱۳۶۳ شمسی)

. با این حال، در این کتاب، برخی از روایات از حضرت علی (ع) نقل شده که گاهی در مفهوم، معنی و حتی لفظ، مشابه احادیث نقل شده از پیامبر (ص) است. نویسنده علت این امر را نه اشتباه راویان، بلکه «تقارب و تشابه معنوی که میان حضرت محمد و حضرت علی -علیهما السلام- وجود دارد» می‌داند.

۲. از چاپ دوم به بعد این مجموعه، تغییری در آن، راه نیافته است و تاکنون ده‌ها بار توسط سازمان انتشارات جاویدان به چاپ سپرده شده است.

در این چاپ‌ها، ۲ مقدمه دیده می‌شود: مقدمهٔ چاپ اول، در ۱۱ صفحه، در مرداد ۱۳۲۴ شمسی توسط مترجم به پایان رسیده است و مقدمهٔ چاپ دوم، در ۱۴۹ صفحه است که تاریخ اسفند ۱۳۳۶ را در پایان خود دارد.

۳. در مقدمه اول، نام منابعی که در فراهم آوری این مجموعه از آنها استفاده شده است، دیده می‌شود؛ از جمله ۴ کتاب حدیثی معروف شیعه، ۶ کتاب حدیثی معروف اهل سنت (صحاح سته)، اعیان‌الشیعه سیدمحسن امین عاملی، ناسخ‌التواریخ محمدتقی سپهر، جامع‌الصغیر جلال‌الدین سیوطی، کنوزالحقایق عبدالرؤف مناوی و ۵ کتاب دیگر از اهل سنت. آن‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، منابع این مجموعه در یک سطح نمی‌باشند و همه آن‌ها از منابع دست اول نیستند.

۴. از میان این منابع، فراهم آورنده، بیش از همه از **جامع‌الصغیر سیوطی** حدیث نقل می‌کند. در نهج‌الفصاحه، بر اساس شماره‌گذاری‌های آن، ۳۲۲۷ حدیث دیده می‌شود که به تقریب، بیش از سه‌چهارم آن از جامع‌الصغیر و بقیه آن از دیگر منابع نقل شده است.

۵. ترتیب احادیث جامع‌الصغیر، الفبایی است. پاینده نیز در نهج‌الفصاحه، احادیث را به ترتیب الفبایی آورده است؛ ولی در پایان کتاب، پس از ۲ ضمیمه‌ای که بدان افزوده است، فهرستی از موضوعات کتاب می‌آورد.

کتاب سیوطی در پی هر حدیثی، علاوه بر ذکر منبع حدیث به صحیح یا حسن یا ضعیف بودن آن هم اشاره دارد.

۶. چنانچه اشاره شد، در پایان این مجموعه حدیثی (نهج‌الفصاحه)، ۲ ضمیمه نیز آمده است. ضمیمه اول مشتمل است بر ۱۳ خطبه از خطبه‌های حضرت رسول «ص» و ضمیمه دوم مشتمل است بر ۱۶ تمثیل از تمثیلات آن حضرت. در این ۲ ضمیمه، پس از آوردن هر خطبه و تمثیلی، به جز یک جا، به منبع آن اشاره شده است. این منابع به جز اعیان‌الشیعه، از منابع سیروی و حدیثی اهل سنت است، همچون تاریخ طبری، سیره ابن هشام، البیان و التبیین جاحظ، البدایه و النهایه، برخی از صحاح سته و ...

۷. مترجم بزرگوار در ضمیمه اول، قبل از نقل خطبه اول، مقدمه کوتاه و مفیدی بدین شرح نوشته است:

از خطبه‌های پیامبر، عده بسیار کمی را در متون سیرت و حدیث آورده‌اند. گویا بیشتر خطبه‌های مفصل از طرف محدثان و راویان، «تقطیع» شده و قسمت‌های آن به باب‌های مختلف رفته و در نتیجه شماره خطبه‌های موجود، تقلیل یافته. قرائن مکرر به دست داریم که بسیاری کلمات کوتاه و روایت‌های مختصر، جزئی از خطبه مفصل بوده است؛ اما چون در خطبه‌های پیامبر فقرات کلام از یکدیگر استقلال داشته و هر یک مربوط به موضوع دیگر بوده، کار تقطیع کنان آسان شده است و خطبه‌ها را چون عقد گهر که رشته آن گسیخته، به پراکندگی افکنده‌اند. برای نمونه، این خطبه را که تقطیع شده؛ اما وحدت آن نیز محفوظ مانده است.

أَبْشِرُوا وَبَشِّرُوا مِنْ وَرَائِكُمْ أَنَّهُ مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا لَهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ؛

شما را مژده میدهم و شما ب دیگران مژده دهید که هر کس شهادت دهد که خدائی جز خدای یگانه نیست و بدان معتقد باشد وارد بهشت می شود.

أَتَحْسَبُونَ الشِّدَّةَ فِي حَمْلِ الْحِجَارَةِ إِنَّمَا الشِّدَّةُ أَنْ يَمْتَلِي أَحَدُكُمْ غِيظًا ثُمَّ يَغْلِبُهُ؛

آیا گمان میکنید نیرومندی در بردن سنگ است، نیرومند حقیقی آنست که خشمگین شود و بر خشم خود غالب گردد.

**اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَحْمِلُ عَلَى الْغَمَامِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي
لَأَنْصُرَنَّكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ؛**

از نفرین مظلوم بترسید زیرا نفرین وی بر ابرها می‌رود و خداوند می‌گوید بعزت و جلال من سوگند که ترا یاری میکنم اگر چه پس از مدتی باشد.

اتَّقُوا الْحَجَرَ الْحَرَامَ فِي الْبُنْيَانِ فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْخَرَابِ؛

از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ویرانی است.

اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛

از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا مینگرد.

اجتنبوا دعوات المظلوم ما بينها و بين الله حجاب.

از نفرین های مظلوم بترسید که میان آن و خدا حجابی نیست.

إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حَمِيٍّ وَ إِنَّ حَمِيَّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ مُحَارِمُهُ.

هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خدا در زمین محرمات اوست.

أَجْمَلُوا فِي طَلَبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كَلَّ مَيْسَرَ لَمَّا كَتَبَ لَهُ مِنْهَا.

در طلب دنیا معتدل باشید زیرا بهر کس هر چه قسمت اوست میرسد

**أحب حبيك هونا ما عسى أن يكون بغضك يوما ما و أبغض بغضك هونا ما
عسى أن يكون حبيك يوما ما.**

در دوستی میانه نگهدار که شاید دوست روزی دشمن تو شود و در دشمنی راه افراط
مسپار که شاید دشمن روزی دوست گردد.

أحثوا التراب في وجوه المدّاحين.

بر چهره ستایشگران خاک بپاشانید.

اخبروا الناس بأخدا نهم فإنّ الرّجل يخادن من يعجبه.

مردم را از معاشرانشان بشناسید زیرا، کند هم جنس با هم جنس پرواز.

أخوف ما أخاف على أمّتي كلّ منافقٍ عليم اللسان.

بیش از هر چیز از منافقان دانا بر امت خود بیم دارم.

إذا أبردتم إلىّ بریدا فابعثوه حسن الوجه حسن الاسم

وقتی قاصدی پیش من میفرستید نیک صورت و نیک اسم بفرستید.

إذا ابتغيتم المعروف فاطلبوه عند حسان الوجوه.

اگر نیکی میخواهید آن را پیش نیکصورتان بجوئید.

إذا أتى على يوم لا أزداد فيه علما يقربني إلى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع الشمس ذلك اليوم.

اگر روزی بر من بگذرد و در آن روز دانشی نیاموزم که مرا بخداوند نزدیک کند، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.

إذا اجتمع العالم و العابد على الصراط قيل للعابد أدخل الجنة و تنعم بعبادتك و قيل للعالم قف هنا فاشفع لمن أحببت فإنك لا تشفع لأحد إلا شفعت فقام مقام الأنبياء.

وقتی عالم و عابد بر صراط اجتماع کنند بعباد گویند بهشت درآی و از عبادت خویش بهرمند شو و بعالم گویند اینجا بایست و برای هر که میخواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی شفاعت تو پذیرفته خواهد شد آنگاه عالم در صف پیغمبران میایستد.

إذا أحب الله عبدا ابتلاه و إذا أحبّه الحبّ البالغ اقتناه قالوا ما اقتناؤه قال لا يترك له مالا و لا ولدا.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد و وقتی ویرا کاملاً دوست دارد او را خاص خود سازد گفتند چگونه او را خاص خود میسازد گفت مال و فرزندی برای او باقی نمیگذارد

إذا أحبّ الله عبدا ابتلاه لیسع تضرّعه.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد ویرا مبتلا سازد تا تضرع او را بشنود.

إذا أحببتهم أن تعلموا ما للعبد عند ربّه فانظروا ما يتبعه من الثناء.

وقتی بخواهید مقام بنده را در نظر خدا بدانید بنگرید که پشت سر او چه میگویند.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ فَفَقَّهَ فِي الدِّينِ وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ عَيْوَبَهُ.

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد ویرا در کار دین دانا و دنیا بی اعتنا سازد و عیوب ویرا بدو بنمایاند.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا أَمَدَّ لَهُمْ فِي الْعَمْرِ وَ أَلْهَمَهُمُ الشُّكْرَ.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد عمرشان را دراز و زبانشان را بشکر باز کند.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا جَعَلَ أَمْرَهُمْ إِلَى مَتْرَفِيهِمْ.

وقتی خداوند برای مردمی بدی خواهد کارشان را بدست تجمل - پرستان آنها می سپارد.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ جَعَلَ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَ تَقَاهُ فِي قَلْبِهِ وَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ شَرٍّ جَعَلَ فَقْرَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ.

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد ثروتش را در روحش و تقوایش را در قلبش قرار میدهد و وقتی برای کسی بدی خواهد فقر را پیش چشم او جای میدهد.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُوَقِّعَ عَبْدًا أَعْمَى عَلَيْهِ الْحَيْلَ.

وقتی خداوند خواهد بنده ای را از پا درآورد راههای چاره را بر او ببندد.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى إِنْفَادَ قَضَائِهِ وَ قَدْرَهُ سَلَبَ ذَوِي الْعُقُولِ عَقُولَهُمْ حَتَّى يَنْفُذَ فِيهِمْ قَضَاؤَهُ وَ قَدْرَهُ فَإِذَا قَضَى أَمْرَهُ رَدَّ إِلَيْهِمْ عَقُولَهُمْ وَ وَقَعَتِ النَّدَامَةُ.

وقتی خدا بخواهد قضا و قدر خویش را اجرا کند عقل صاحب خردان را میگیرد و قضای خویش را در باره آنها جاری میسازد، وقتی فرمان وی انجام گرفت عقولشان را باز پس میدهد و پشیمانی رخ میدهد.

إذا أردت أمرا فعليك بالتؤدة حتى يريك الله منه المخرج.

وقتی خواستی کاری را انجام دهی تأمل کن تا خدا راه آن را بتو نشان دهد.

إذا استشاط السلطان تسلط الشيطان.

وقتی سلطان بغضب آید شیطان تسلط یابد.

إذا اشتكى المؤمن أخلصه من الذنوب كما يخلص الكير خبث الحديد.

مصیبتی که بر مؤمن وارد می شود او را از گناهان پاک می کند چنان که کوره کثافت آهن را پاک میسازد.

إذا جاء الموت بطالب العلم مات و هو شهيد.

وقتی مرگ طالب علم فرا رسد شهید میمیرد.

إذا حاك في نفسك شي ء فدعه.

وقتی دل تو از کاری چرکین است از آن چشم پوش.

إذا خاف الله العبد أخاف الله منه كل شي ء و إذا لم يخف العبد الله أخافه الله من كل شي ء.

وقتی بنده از خدای بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و اگر بنده از خدای نترسد خداوند او را از همه چیز بترساند.

إِذَا خَفِيتَ الْخَطِيئَةَ لَا يَضُرُّ إِلَّا صَاحِبَهَا وَ إِذَا ظَهَرَتْ فَلَمْ تَغَيِّرْ ضَرَّتْ الْعَامَّةَ.

وقتی گناهی مخفی بماند بجز گنهکار کسیرا ضرر نمیرساند و اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند برای همه مردم زیان دارد.

إِذَا دَخَلَ الضَّيْفُ عَلَى الْقَوْمِ دَخَلَ بَرزَقَهُ وَ إِذَا خَرَجَ خَرَجَ بِمَغْفَرَةٍ ذُنُوبِهِمْ.

وقتی میهمانی بر کسان در آید روزی خود را همراه می آورد و وقتی برون رود با آمرزش گناهان آنها برون رود.

إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجِهْ: الْحَيَاءُ وَ الْأَمَانَةُ وَ الصَّدَقُ وَ إِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجِهْ.

وقتی در برادر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش، حیا و امانت و راستی و اگر این صفات را ندارد از او امیدی نداشته باش.

إِذَا رَأَيْتَ الْأَمْرَ لَا تَسْتَطِيعُونَ تَغْيِيرَهُ فَاصْبِرُوا حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَغْيِرُهُ.

وقتی دیدید نمی توانید چیزی را تغییر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغییر دهد.

إِذَا رَأَيْتَ الْعَبْدَ أَلَمَ اللَّهُ بِهِ الْفَقْرَ وَ الْمَرَضَ فَإِنَّ اللَّهَ يَرِيدُ أَنْ يَصَافِيَهُ.

وقتی دیدید خداوند فقر و مرض را بر بنده ای فرود آورد میخواهد او را تصفیه کند.

إِذَا سَمِعْتُمْ بِجَبَلٍ زَالَ عَنْ مَكَانِهِ فَصَدَّقُوا وَ إِذَا سَمِعْتُمْ بِرَجُلٍ زَالَ عَنْ خَلْقِهِ فَلَا تَصَدَّقُوا فَإِنَّهُ يَصْبِرُ إِلَى مَا جَبَلَ عَلَيْهِ.

اگر شنیدید کوهی از جای خود تکان خورده باور کنید و اگر شنیدید کسی از خوی خویش دست برداشته باور مکنید زیرا عاقبت به فطرت خویش باز میگردد.

إِذَا ظَهَرَ الزَّنا وَ الرَّبَا فِي قَرْيَةٍ فَقَدْ أَحَلَّوا بَانفُسِهِمْ عَذابَ اللَّهِ.

وقتی زنا کاری و ربا خواری در دهکده ای آشکار شود مردم آن عذاب خدا را بخود خریدند

إِذَا ظَهَرَتِ الْفَاحِشَةُ كَانَتْ الرَّجْفَةُ وَإِذَا جَارَ الْحَكَّامُ قَلَّ الْمَطَرُ وَإِذَا غَدَرَ بِأَهْلِ الذِّمَّةِ ظَهَرَ الْعَدُوُّ.

وقتی زنا رواج گیرد زلزله پیدا شود، وقتی حاکمان ستم کنند باران کم شود و وقتی که با ذمیان خیانت شود دشمنان چیره شوند.

إِذَا عَمِلَتِ الْخَطِيئَةُ فِي الْأَرْضِ كَانَتْ مِنْ شَهَدَاتِهَا فَكُرْهًا كَمَنْ غَابَ عَنْهَا وَ مَنْ غَابَ عَنْهَا فَضِيحًا كَمَنْ شَهِدَهَا.

وقتی گناهی در زمین رخ دهد کسی که آن را دیده ولی از آن متنفر است، مانند کسیست که آن را ندیده و کسی که آن را ندیده ولی از آن راضیست مانند کسیست که آن را دیده باشد.

إِذَا غَضِبَ أَحَدُكُمْ وَ كَانَتْ قَائِمًا فَلْيَقْعِدْ وَ إِنْ كَانَتْ قَاعِدًا فَلْيُضْطَجِعْ.

وقتی یکی از شما خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد.

إِذَا قَدِمَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيَقْدِمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَ لَوْ يَلْقَى فِي مَخْلَاطِهِ حَجْرًا.

وقتی کسی از سفری می آید ارمغانی با خود بیاورد اگر چه سنگی در توبره خود بیندازد.

إذا مات الإنسان انقطع عمله إلا من ثلاث صدقة جارية أو علم ينتفع به أو ولد صالح يدعو له.

وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده شود جز سه چیز صدقه جاری و دانشی که کسان از آن بهره ور شوند و فرزند درست کاری که برای او دعا کند.

إذا هممت بأمر فاستخر ربك فيه سبع مرات ثم انظر إلى الذي يسبق إلى قلبك فإن الخيرة فيه.

وقتی بکاری تصمیم گرفتی هفت بار استخاره کن سپس بنگر دل تو به کدام طرف نگران است زیرا نیکی در آن است.

إذا وسد الأمر إلى غير أهله فانتظر الساعة.

وقتی کار را بدست ناهلان سپارند منتظر رستاخیز باش.

أذلّ الناس من أهان الناس.

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

أرحم من في الأرض يرحمك من في السماء.

بآنها که در زمینند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند.

استتمام المعروف خير من ابتدائه.

انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آنست.

استعدّ للموت قبل نزول الموت.

پیش از آنکه مرگ درآید برای آن آماده باش.

استعينوا على أموركم بالکتمان فإنّ كلّ ذی نعمة محسود.

أشيدوا النّکاح و أعلنوه.

عقد نکاح را محکم کنید و آن را علنی سازید.

أصلح النّاس أصلحهم للنّاس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر است.

أعبد الله کأنّک تراه فإنّ کنت لا تراه فإنّه یراک.

خدای را چنان پرستش کن که گوئی او را می بینی اگر تو او را نمی بینی او ترا میبیند.

أعظم النّاس فی الدّنيا خطرا من لم يجعل للدّنيا عنده خطرا.

در دنیا قدر کسی بیشتر است که دنیا در نظرش قدر ندارد

ألا أخبرکم بأیسر العبادۀ و أهونها علی البدن؟ الصّمت و حسن الخلق.

میخواهید شما را بعبادتی که از همه عبادتها بر بدن آسانتر است خبر دهم؟ سکوت و نیکخوئی.

إنّ الله إذا قضی علی عبد قضاء لم یکن لقضائه مردّ.

وقتی خداوند چیزی بر بنده خویش مقدر سازد تقدیر وی تغییر پذیر نیست.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْهَى بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي تَرْكُ شَهْوَتِهِ مِنْ أَجْلِي.

خدا بجوان عابد بر فرشتگان مباحات میکند و میگوید بنده مرا بنگرید که بخاطر من از تمایلات خود چشم پوشیده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْمُؤْمِنَ الَّذِي لَا زَبْرَ لَهُ.

خداوند مؤمنی را که عقل ندارد دشمن دارد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا ثَالِثُ الشَّرِيكِينَ مَا لَمْ يَخُنْ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَإِذَا خَانَهُ خَرَجْتَ مِنْ بَيْنَهُمَا.

خداوند گوید تا هنگامی که یکی از دو شریک با دیگری خیانت نکند من سومی آنها هستم و همین که خیانت بمیان آمد من از میان آنها میروم.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَنْزِلُ الْمَعُونَةَ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَنُّةِ وَيَنْزِلُ الصَّبْرَ عَلَى قَدْرِ الْبَلَاءِ.

خداوند کمک را بقدر احتیاج نازل میسازد و صبر را باندازه بلا می دهد.

إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ.

خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا بسر میبرد دوست دارد.

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَهَا لَطَالِبِ الْعِلْمِ رِضًا بِمَا يَطْلُبُ.

فرشتگان بالهای خود را برای طالب علم پهن میکنند زیرا از آنچه می جوید رضایت دارند.

إِنَّ عِلْمًا لَا يَنْتَفِعُ مِنْهُ لَكِنَّا لَا يَنْفِقُ مِنْهُ.

دانشی که از آن سود نبرند مثل گنجی است که از آن خرج نکنند.

إِيَّاكُمْ وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ الْهَوَىٰ يَعْصِي وَيَصْمُ.

از هوس پرهیزید که هوس انسان را کور و کر می کند

إِيَّاكَ وَكُلَّ أَمْرٍ يَعْتَذِرُ مِنْهُ.

از هر کاری که عذر آن باید خواست پرهیز.

**أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَىٰ عَرَىٰ كَسَاهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنْ خَضِرِ الْجَنَّةِ وَ أَيُّمَا
مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَىٰ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ
أَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَىٰ مُسْلِمًا عَلَىٰ ظَمَاءٍ سَقَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتومِ.**

هر مسلمانی که مسلمان برهنه را بپوشاند خداوند از پارچه های سبز بهشت بدو بپوشاند و
هر مسلمانی که مسلمان گرسنه را سیر کند خداوند روز رستاخیز از میوه های بهشت بدو
بچشاند و هر مسلمانی که مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سر
بمهر به او بنوشاند.

الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ قَرِينَانِ لَا يَصْلِحُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَّا مَعَ صَاحِبِهِ.

ایمان و عمل قرین یک دیگرند و هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نیست.

اسْتَعِينُوا عَلَىٰ أُمُورِكُمْ بِالكَتْمَانِ فَإِنَّ كُلَّ ذِي نِعْمَةٍ مَحْسُودٌ.

بوسیله پرده پوشی بر انجام کارهای خود یاری جوئید زیرا هر که نعمتی دارد محسود
کسانست.

اشتدای آزمون تنفرجی.

وقتی کار بنهایت سختی رسید راه چاره پیدا می شود.

أشجع الناس من غلب هواه.

شجاعترین مردم آن کس است که بر هوس خویش تسلط یابد.

أشدّ الناس بلاء الأنبياء ثمّ الأمثل فالأمثل يبتلى الرجل على حسب دينه فإن كان في دينه صلبا اشتدّ بلاؤه و إن كان في دينه رقةً ابتلى على قدر دينه فما يبرح البلاء بالعبد حتى يتركه يمشى على الأرض و ما عليه خطيئة.

ابتلای پیغمبران از همه مردم سخت تر است و پس از آن هر که بآنها نزدیکتر باشد، مرد باندازه قوت دین خود بلا می بیند اگر دین او محکم باشد ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد باندازه دین خود بلا می بیند بلا بر بنده فرو می آید تا همه گناهان او را پاک کند.

اطلبوا الرزق في خبايا الأرض.

روزی را در نهانگاههای زمین بجوئید.

اطلبوا العلم و لو بالصّين فإنّ طلب العلم فریضة على كلّ مسلم إنّ الملائكة ترضع أجنحتها لطالب العلم رضا بما يطلب.

دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می کنند زیرا از آنچه وی در طلب آنست خشنود هستند.

اطلبوا الحوائج بعزّة الأنفس فإنّ الامور تجري بالمقادير.

حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد،

اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد.

از گهواره تا گور دانش بجوئید.

أعجز الناس من عجز عن الدنيا و أبخل الناس من بخل بالسّلام.

عاجزترین مردم آن کس است که از کار دنیا عاجز ماند و بخیل ترین مردم آن کس است که در ادای سلام بخل ورزد.

أعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك.

خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوئی تو است.

أعزّ أمر الله يعزّك الله.

کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند.

أعط السائل و لو جاءك على فرس و أعط الأجير حقّه قبل أن يجفّ عرقه.

به گدا چیزی بده و گر چه بر اسب بنزد تو آمد و مزد اجیر را پیش از آنکه عرقش خشک شود پرداز.

اعقلها و توكل.

زانوی شتر را ببند و توکل کن

أَعْقِلِ النَّاسَ أَشَدَّهُمْ مَدَارَةً لِلنَّاسِ.

عاقلتر از همه مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

اعلم أنّ الخلائق لو اجتمعوا على أن يعطوك شيئاً و لم يرد الله أن يعطيك
لم يقدرُوا عليه أو يصرفوا عنك شيئاً أراد الله أن يصيبك به لم يقدرُوا على
ذلك فإذا سئلت فاسأل الله و إذا استعنت فاستعن بالله.

بدان که اگر جهانیان بخواهند چیزی بتو بدهند و خداوند نخواهد نمیتوانند و اگر جهانیان
بخواهند چیزی را که خداوند برای تو خواسته از تو منع کنند نمیتوانند بنا بر این وقتی
چیزی میخواهی از خدا بخواه و وقتی کمک می جوئی از خدا بجوی

اعلم أنّ ما أصابك لم يكن ليخطأك و ما أخطأك لم يكن ليصيبك.

بدان که آنچه بتو رسیده ناچار میرسید و آنچه از تو فوت شده بناچار فوت میشود.

اعلم أنّ النصر مع الصبر و أنّ الفرج مع الكرب و أنّ مع العسر يسرا.

بدان که ظفر قرین صبر است و گشایش قرین رنج و بدنبال سختی سستی ای هست.

اعلم أنّ القلم قد جرى بما هو كائن.

بدان که قلم تقدیر، بر همه شدنیها رفته است.

الأعمال بالنية.

کارها وابسته به نیت است

اعملوا فکلّ میسرّ لما خلق له.

کار کنید زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می آورد.

**اغتنم خمسا قبل خمس شبابک قبل هرمک و صحّتک قبل سقمک و غناک
قبل فقرک و فراغک قبل شغلک و حیاتک قبل موتک.**

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و ثروت پیش از نیازمندی و فراغت پیش از اشتغال و زندگی پیش از مرگ

اغتنموا الدّعاء عند الرّقّة فإنّها رحمة.

بهنگام رقت دعا را غنیمت شمارید که رقت مایه رحمت است

اغتنموا دعوة المؤمن المبتلى.

دعای مؤمن مبتلا را غنیمت شمارید.

أغد عالما أو متعلّما أو مستمعا أو محبّا و لا تکن الخامسة فتهلک.

دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع یا دوستدار علم و پنجمی مباش که هلاک خواهی شد.

**اغسلوا ثيابکم و خذوا من شعورکم و استاکوا و تزینوا و تنظّفوا فإنّ بنی
إسرائیل لم یکنوا یفعلون ذلك فزنت نساؤهم.**

لباسهای خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید زیرا یهودان چنین نکردند و زنانشان زناکار شدند.

أغفل النَّاس من لم يتعظ بتغيّر الدّنيا من حال إلى حال.

غافلتر از همه مردم کسی است که از تغییر احوال جهان پند نگیرد

أغنى النَّاس من لم يكن للحرص أسيراً.

بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آز نباشد.

أفسوا السّلام بينكم تحابوا.

سلام را آشکار کنید تا رشته دوستی شما استوار شود.

أفضل الأعمال ثلاثة:

التّواضع عند الدّولة و العفو عند القدرة و العطيّة بغير المنّة.

بهترین کارها سه چیز است، تواضع بهنگام دولت و عفو بهنگام قدرت و بخشش بدون منت.

أفضل الأعمال بعد الإيمان بالله التّوّدّد إلى النَّاس.

بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است.

أفضل الأعمال الكسب من الحلال.

بهترین کارها کسب حلال است.

أفضل الأعمال الحبّ في الله و البغض في الله.

بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست.

أفضل الإيمان أن تعلم أن الله معك حثما كنت.

بهترین اقسام ایمان آنست که بدانی هر جا هستی خدا با تست.

أفضل الإيمان أن تحبّ لله و تبغض لله و تعمل لسانك في ذكر الله و أن تحبّ للناس ما تحبّ لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و أن تقول خيرا أو تصمت.

بهترین اقسام ایمان اینست که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخوایی و آنچه برای خود نمیخواهی برای دیگران نخواهی و سخن نیک بگوئی یا خاموش مانی.

أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر.

بهترین جهاد سخن حقیست که پیش پادشاه ستمکار گویند

أفضل الجهاد أن يجاهد الرجل نفسه و هواه.

بهترین جهاد آنست که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند.

أفضل الصدقة أن يتعلم المرء المسلم علما ثم يعلمه أخاه المسلم.

بهترین صدقه ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد.

أفضل الأعمال أن تشبع كبدًا جائعًا.

بهترین کارها آنست که گرسنه را سیر کنی.

أفضل الصدقة إصلاح ذات البين.

بهترین اقسام صدقه آنست که میان دو کس را اصلاح دهی.

أفضل العبادة انتظار الفرج.

بهترین اقسام عبادت انتظار گشایش است.

أفضل العمل أدومه و إن قلّ.

بهترین کارها آن است که دوامش بیشتر است اگر چه اندک باشد.

أفضل الفضائل أن تصل من قطعك و تعطي من حرمك و تصفح عمّن ظلمك.

بهترین فضایل اینست که با آنکه از تو ببرد پیوند گیری و بکسی که تو را محروم میکند عطا کنی و از آنکه بر تو ستم کند درگذری

أفصح من رزق لبّا.

آنکه خرد دارد رستگار می شود.

أفضلکم إيماناً أحسنکم أخلاقاً.

هر کس از شما اخلاقش نیکتر ایمانش بهتر است.

أفقر الناس الطّامع.

طمعکار از همه مردم فقیرتر است.

أَفْلَحَ مَنْ هَدَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَيْشُهُ كِفَافًا وَقِنَعٌ بِهِ.

هر که باسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار شده است

اقْرَأِ الْقُرْآنَ مَا نَهَاكَ فَإِذَا لَمْ يَنْهَكَ فَلَسْتَ تَقْرؤه.

اگر خواندن قرآن ترا از کار بد منع میکند آن را بخوان ولی اگر ترا از کار بد وانمیدارد به حقیقت قرآن نمیخوانی.

اقْرءوا القرآن فإن الله تعالى لا يعذب قلبا وعى القرآن.

قرآن را بخوانید زیرا خداوند دلی را که قرآن را دریافته معذب نمیکند.

اقبل الحقّ ممّن أتاك به من صغير أو كبير و إن كان بغیضا بعيدا و اردد الباطل علی من جاءك به من صغير أو كبير و إن كان حبیبا قریبا.

سخن حق را از هر که شنیدی به پذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر اگر چه دوست و نزدیک باشد.

أقلّ النَّاسِ راحةً البخیل.

آسایش بخیل از همه کس کمتر است.

أقلّ النَّاسِ لذّةً الحسود.

لذت حسود از همه کس کمتر است.

أقلّ من الدّین تعش حرّاً.

قرض کمتر گیر تا آزاد باشی.

أقبلو السّخیّ زلّته فإنّ الله آخذ بیده کلّما عثر.

از لغزش مرد سخاوتمند بگذرید زیرا هر دم بلغزد خدا دست او را میگیرد.

أكبر الكبائر الإِشراك بالله و قتل النّفس و عقوق الوالدين و شهادة الزور.

بزرگترین گناهان بزرگ شرک بخدا و قتل نفس و بد رفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ است.

أكبر الكبائر سوء الظنّ بالله

بدترین گناهان بزرگ بد گمانی بخداست.

أكثر خطايا ابن آدم في لسانه.

بیشتر گناهان فرزند آدم از زبان اوست.

أكثر الناس ذنوبا يوم القيامة أكثرهم كلاما فيما لا يعنيه.

در روز رستاخیز از همه مردم گناه آن کس بیشتر است که بیشتر از همه در چیزهایی که بدو مربوط نیست سخن گوید.

أكثر ذكر الموت فإنّ ذكره يسليک ممّا سواه.

مرگ را بسیار بخاطر بیاور زیرا یاد مرگ ترا از رنج های دیگر تسلیت می دهد.

أَكثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَمَحِّصُ الذَّنُوبَ وَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ ذِكْرَ تَمَوُّهِ عِنْدَ الْغِنَى هَدْمُهُ وَ إِنْ ذَكَرَ تَمَوُّهُ عِنْدَ الْفَقْرِ أَرْضَاكُمْ بَعِيثَكُمْ.

مرگ را بسیار به یاد آرید زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می کند و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرگ را بهنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم میکند و اگر بهنگام تنگدستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خوشنود می سازد.

أَكْثَرُ مِنَ الدَّعَاءِ فَإِنَّ الدَّعَاءَ يَرُدُّ الْقَضَاءَ.

بسیار دعا کن که دعا قضا را دفع میکند

أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ فِي كَثِيرٍ إِلَّا قَلِيلٌ وَ لَا فِي قَلِيلٍ إِلَّا أَجْزَلُهُ.

مرگ را بسیار بیاد آرید زیرا یاد مرگ بسیار را کم و کم را کافی جلوه می دهد.

أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیغمبرانند و هر که آنها را عزیز دارد خدا و پیغمبر را عزیز داشته است.

أَكْرَمُوا الْخَبْزَ فَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَهُ مِنَ بَرَكَاتِ السَّمَاءِ وَ أَخْرَجَهُ مِنَ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ.

نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده است.

**ألا أخبركم بأفضل من درجة الصيام و الصلوة و الصدقة؟
اصلاح ذات البين فإن فساد ذات البين هي الحالقة.**

میخواهید شما را از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است خبر دهم؟ اصلاح میان کسان، زیرا فساد میان کسان مایه هلاک است.

ألا أخبركم بمن يحرم عليه النار غدا؟ على كل هين لئن قریب سهل.

میخواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کس حرام است؟ هر کس که ملایم و نرم و زودجوش و آسان گیر باشد.

**ألا أخبركم بنسائکم من أهل الجنة؟ الودود الولود العود التي إذا ظلمت
قالت هذه يدي في يدك لا أذوق غمضا حتى ترضى.**

میخواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری که فرزند زیاد آورد و زود آشتی کند و همین که بدی کرد گوید این دست من در دست توست چشم بر هم نمی گذارم تا از من راضی شوی.

**ألا إن الغضب جمره توقد في جوف ابن آدم ألا ترون إلى حمرة عينيه و
انتفاخ أوداجه فإذا وجد أحدكم شيئا من ذلك فالأرض الأرض.**

بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشتعل می شود؛ مگر نمی بینید که بهنگام خشم چشمهای او سرخ و رگهایش متورم می شود وقتی یکی از شما چنین شد روی زمین روی زمین!

أَلَا إِنَّ بَنِي آدَمَ خَلَقُوا عَلَى طَبَقَاتٍ شَتَّى، مِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ مُؤْمِنًا وَ يَحْيَا مُؤْمِنًا وَ يَمُوتُ مُؤْمِنًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ كَافِرًا وَ يَحْيَا كَافِرًا وَ يَمُوتُ كَافِرًا وَ مِنْهُمْ مَنْ يُولَدُ كَافِرًا وَ يَحْيَا كَافِرًا وَ يَمُوتُ مُؤْمِنًا.

بدانید که مردم بر طبقات مختلف آفریده شده اند بعضی مؤمن متولد می شوند و مؤمن زندگی میکنند و مؤمن می میرند. بعضی دیگر کافر متولد می شوند و کافر زندگی میکنند و کافر می میرند بعضی کافر متولد میشوند و کافر زندگی میکنند ولی مؤمن می میرند.

أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَزَنٌ بَرَبُوءَةٌ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ النَّارِ سَهْلٌ بِسَهْوَةٍ.

بدانید که کار اهل بهشت مانند آنست که از راه سختی بر تپه مرتفعی بالا روند و کار اهل جهنم مانند آنست که در سراشیب زمین همواری راه سپرند.

أَلَا رَبِّ شَهْوَةٌ سَاعَةٌ أُورِثَتْ حَزَنًا طَوِيلًا؛

چه بسا شهوت ساعتی که رنجی طولانی به جای گذارد.

أَلَا رَبِّ قَائِمٌ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْقِيَامِ إِلَّا السَّهْرُ وَ رَبِّ صَائِمٌ لَيْسَ لَهُ مِنَ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ.

چه بسیار کسان که هنگام شب برای نماز بر می خیزند و از کار خود جز بیداری ثمری نمی برند و چه بسیار کسانی که روزه می گیرند و از روزه خویش جز گرسنگی و تشنگی سودی نمی برند.

أَلَا وَ إِنَّ فِي الْجَسَدِ مَضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَ إِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ.

بدانید که در تن قطعه گوشتی است که اگر صالح بود تمام تن بصلاح آید و اگر فاسد بود تمام تن بفساد گراید، بدانید که آن قلب است.

ألا لا يمتنع رجلًا مخافة الناس أن يقول الحق إذا علمه.

کسی که سخن حقی می داند نباید از بیم مردم از گفتن آن خودداری کند.

ألا لا يخلون رجل بامرأة إلا كان ثالثهما الشيطان.

بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند جز آنکه سومی آنها شیطان است.

التمسوا الجار قبل شري الدار و الرفيق قبل الطريق.

پیش از خریدن خانه همسایه بجوئید و پیش از سفر رفیق بیابید.

التمسوا الرزق بالتكاح.

بوسیله زناشوئی روزی بجوئید

اللّٰهُ الله فيمن ليس له ناصر إلا الله.

در باره کسی که جز خدا یآوری ندارد خدا را در نظر داشته باشید

**اللهم اجعلني أخشاك حتى كأني أراك و اسعدني بتقواك و لا تشقني
بمعصيتك و خر لي في قضائك و بارك لي في قدرك حتى لا أحبّ تعجيل
ما أخرت و لا تأخير ما عجلت و اجعل غنای في نفسي.**

خدایا مرا چنان از ذات خود ترسان کن که گوئی ترا می بینم و مرا پرهیزکاری خود خوشبخت کن و بنافرمانی خود بدبخت مکن قضای خود را برای من انتخاب کن و تقدیر خود را بر من مبارک کن که نخواهم آنچه را مؤخر کرده ای مقدم کنی یا آنچه را مقدم داشته ای مؤخر کنی و ثروت مرا در روحم مستقر کن.

اللَّهُمَّ ارزقني عينين هطالتين تشفيان القلب بذروف الدموع من خشيتك قبل أن تكون الدموع دما والأضراس جمرًا.

خدایا مرا دو چشم اشگبار بخش که دل را از ریزش اشگهائی که از بیم تو میریزد شفا بخشند پیش از آن که اشگها خون و دندان ها آتش شود.

اللَّهُمَّ اغفر لي ذنبي ووسع لي في داري وبارك لي في رزقي.

خدایا گناه مرا ببخش و خانه ام را وسعت بخش و روزی مرا برکت ده.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَالْجَبْنِ وَالْبَخْلِ وَالْهَرَمِ وَالْقَسْوَةِ وَالْغَفْلَةِ وَالْعِيْلَةَ وَالذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكَفْرِ وَالْفُسُوقِ وَالشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالسَّمْعَةَ وَالرِّيَاءَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ وَالْبِكْمِ وَالْجَنُونَ وَالْجَذَامِ وَالْبَرَصِ وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ؛

خدایا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری و سنگدلی و غفلت و تنگدستی و ذلت و مستمندی بتو پناه میبرم و از فقر و کفر و فسق و اختلاف و نفاق و ریا بتو پناه می برم و از کری و گنگی و دیوانگی و خوره و برص و امراض بد بتو پناه میبرم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْقَلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ؛

خدایا از فقر و تنگدستی و ذلت بتو پناه میبرم و از ستمکشی و ستمگری بتو پناه می برم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السَّوِّءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ؛

خدایا از همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می برم زیرا همسایه صحرا بزودی تغییر می یابد.

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ خَلِيلٍ مَأْكُرٍ عَيْنَاهُ تَرِيَانِي وَ قَلْبُهُ يَرَعَانِي إِنْ رَأَى حَسَنَةً
دَفَنَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَذَاعَهَا؛**

خداوندا بتو پناه می برم از دوست حيله باز که دیدگانش مرا میبندد و دلش مراقب منست،
اگر نیکی به بیند مستور سازد و اگر بدی بیند مشهور سازد.

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَ فَجَاءِ نِقْمَتِكَ وَ
جَمِيعِ سَخَطِكَ؛**

خدایا از زوال نعمت و تغییر عافیت و غضب ناگهانی و همه چیزهایی که مایه ناخشنودی
تو است بتو پناه میبرم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ عَمَلٍ لَا يَرْفَعُ، وَ دَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ؛

خدایا از دانشی که سود ندهد و عملی که مقبول نیفتد و دعائی که شنیده نشود بتو پناه
میبرم.

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ دَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَ نَفْسٍ لَا
تَشْبَعُ أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنْ شَرِّ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعِ؛**

خدایا از دانشی که سود ندهد و دلی که سوز ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که
سیری نپذیرد بتو پناه میبرم خدایا از این چهار چیز بتو پناه میبرم.

**اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَدَنِي. اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي سَمْعِي. اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي بَصَرِي. اللَّهُمَّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ؛**

خدایا تن مرا سالم دار خدایا گوش مرا سالم دار خدایا چشم مرا سالم دار خدایا از کفر و
فقر بتو پناه می برم، خدایا از عذاب قبر بتو پناه میبرم، خدائی جز تو نیست.

اللهمّ كما حسنت خلقي فحسن خلقي؛

خدایا چنان که صورت مرا نیک کردی سیرتم را نیز نیک کن.

اللهمّ لا تكلني إلى نفسي طرفه عين و لا تنزع مني صالح ما أعطيتني؛

خداوندا یک لحظه مرا بخودم وامگذار و چیزهای خوبی که بمن بخشیده ای از من باز مگیر.

اللهمّ من ولي من أمر أمتي شيئا فشقّ عليهم فاشقق عليه و من ولي من أمر أمتي شيئا فرفق بهم فرفق به؛

خدایا هر کس عهده دار کار امت من شد و بر آنها سخت گرفت بر او سخت گیر و هر کس عهده دار کار امت من شد و با آنها مدارا کرد با او مدارا کن.

الها و العبا فإني أكره أن يري في دينكم غلظة؛

تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود.

امرأة ولود أحبّ إلى الله تعالى من امرأة حسناء لا تلد إني مكاثركم الامم يوم القيامة؛

زنی که فرزند بسیار آرد در پیش خداوند از زن زیبایی که فرزند نمی آرد بهتر است من در روز قیامت بفزونی شما افتخار می کنم.

أمر بين أمرين و خير الامور أوساطها؛

راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه رویست.

أمنك من عتبك؛

هر که ترا سرزنش کرد از کینه خویش ایمن ساخت.

انتظار الفرج بالصبر عبادة؛

انتظار گشایش که با صبر قرین باشد عبادت است.

انتظار الفرج من الله عبادة و من رضى بالقليل من الرزق رضى الله تعالى منه بالقليل من العمل؛

انتظار گشایش از جانب خداوند عبادتست و هر که بروزی اندک راضی باشد خداوند از او عبادت اندک راضی می شود.

أنظروا إلى من هو أسفل منكم و لا تنظروا إلى من هو فوقكم فإنه أجدر أن لا تزدروا نعمة الله عليكم؛

به آنکه از شما پائین تر است بنگرید و بآن که از شما بالاتر است منگرید زیرا بدین وسیله قدر نعمت خدا را بهتر می دانید.

أنظر في أيّ نصاب تضع ولدك فإنّ العرق دساس؛

بنگر فرزند خود را در کجا قرار میدهی که خون تأثیر خود را باقی میگذارد.

أنفقى و لا تحصى فيحصى الله عليك و لا توعى فيوعى الله عليك؛

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل مورز که خدا بر تو بخل ورزد.

**إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّىٰ يَغْرَسَهَا
فَلْيَغْرَسَهَا؛**

اگر رستاخیز باشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر میتواند آن را بکارد باید بکارد.

أَنْكَحُوا فَإِنِّي مَكَاثِرُ بَكْم؛

زناشوئی کنید که من از فزونی شما تفاخر میکنم.

إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ وَأَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الدَّعَاءِ؛

بخیل ترین مردم آن کس است که از سلام دادن بخل ورزد و ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا ناتوان باشد.

إِنَّ ابْنَ آدَمَ لِحَرِيصٍ عَلَيَّ مَا مَنَعُ؛

آدمیزاد بر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است.

إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ تَحْتَ ظِلَالِ السَّيْفِ؛

درهای بهشت زیر سایه شمشیرهاست.

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيَّ أُمَّتِي كُلَّ مَنَافِقِ عَلِيمِ اللِّسَانِ؛

بیش از هر چیز بر امت خود از منافق چرب زبان بیم دارم.

**إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْإِشْرَاقَ بِاللَّهِ أَمَا إِنِّي لَسْتُ أَقُولُ يَعْبُدُونَ شِمْسًا
وَلَا قَمَرًا وَلَا وَثْنَا وَلَا لَكِنَّ أَعْمَالًا لِعَبَادَةِ اللَّهِ وَشَهْوَةً خَفِيَّةً؛**

بیش از هر چیز بر امت خود از شرک بخدا بیم دارم، من نمیگویم که خورشید و ماه یا بت میپرستند ولی کارهایی برای غیر خدا انجام میدهند و دستخوش شهوت نهانی میشوند.

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْأُتْمَةَ الْمَضْلُونَ؛

بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم.

إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عَمَلِ قَوْمِ لُوطٍ؛

بیشتر از هر چیز بر امت خود از کردار قوم لوط بیم دارم.

**إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصَدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقَهُمْ حَدِيثًا وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَكْذِيبًا أَكْذِبُهُمْ
حَدِيثًا؛**

هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می‌شمارد.

إِنَّ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ مَنْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِ فَقْرُ الدُّنْيَا وَعَذَابُ الْآخِرَةِ؛

بدبختترین بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد.

إِنَّ أَشْكَرَ النَّاسِ أَشْكُرَهُمُ لِلنَّاسِ؛

سپاسگزارتر از همه مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می‌گذارد.

إِنَّ أَطْيَبَ طَعَامِكُمْ مَا مَسَّتْهُ النَّارُ؛

بهترین غذاهای شما آنست که بآتش پخته شود.

إِنَّ أَطْيَبَ مَا أَكَلْتُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ وَ إِنَّ أَوْلَادَكُمْ مِنْ كَسْبِكُمْ؛

بهترین روزی شما آنست که از کسب بدست آرید و فرزند شما جزو کسب شماست.

إِنَّ أَفْوَاهَكُمْ طَرَقَ لِلْقُرْآنِ فَطَيَّبُوهَا بِالسَّوَاكِ؛

دهانهای شما معبر قرآنست آن را با مسواک پاکیزه کنید.

إِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ شَبَعَا فِي الدُّنْيَا أَطْوَلُهُمْ جَوْعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

آنکه در دنیا از همه مردم سیرتر است روز رستاخیز بیشتر از همه گرسنه خواهد ماند.

إِنَّ أَكْثَرَ مَا يَدْخُلُ النَّاسَ النَّارَ الْأَجْوْفَانُ: الْفَمُ وَ الْفَرْجُ؛

مردم بیشتر از همه بواسطه دو چیز مجوف بجهنم میروند: دهان و عورت.

إِنَّ الْإِيمَانَ لِيَخْلُقُ فِي جَوْفِ أَحَدِكُمْ كَمَا يَخْلُقُ الثَّوْبَ فَاسْأَلُوا اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يَجِدَّ الْإِيمَانَ فِي قُلُوبِكُمْ؛

ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می شود از خدا بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند.

إِنَّ الْبِرَّ وَالصَّلَاةَ يُسْتَبِيلَانِ الْأَعْمَارَ وَيَعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَيَكْثُرَانِ الْأَمْوَالَ وَ لَوْ كَانَ الْقَوْمُ فَجَّارًا؛

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد و اموال را زیاد می کند اگر چه انجام دهندگان آن بدکاران باشند.

إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْإِيمَانَ قَرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا سَلَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ الْآخَرُ؛

حیا و ایمان قرین یک دیگرند وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه آن میرود.

إِنَّ الدُّنْيَا حُلْوَةٌ خَضِرَةٌ وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلَفُكُمْ فِيهَا لِيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ؛

جهان شیرین و سبز است و خدا شما را در آن جای داده تا ببیند چه میکنید.

إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا رَضِيَ هَدَى الرَّجُلَ وَ عَمَلَهُ فَهُوَ مِثْلُهُ؛

هر که از روش و کار دیگری راضی باشد مثل اوست.

إِنَّ الرَّجُلَ لَا يَزَالُ فِي صِحَّةٍ رَأْيَهُ مَا نَصَحَ لِمُسْتَشِيرِهِ، فَإِذَا غَشَّ مُسْتَشِيرَهُ سَلَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى صِحَّةَ رَأْيِهِ؛

مرد تا هنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کند از اصابت رأی بهره ور است و همین که با مشورت کنان خیانت کرد خدا اصابت رأی را از او میگیرد.

إِنَّ الرَّجُلَ لِيَحْرَمَ الرِّزْقَ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ وَ لَا يَرِدُ الْقَدْرَ إِلَّا الدَّعَاءُ وَ لَا يَزِيدُ فِي الْعَمْرِ إِلَّا الْبِرُّ؛

انسان بسبب گناه از روزی محروم ماند و تقدیر جز بدعا برنگردد و عمر جز به نیکوکاری دراز نشود.

**إِنَّ الرَّجُلَ لِيَطْلُبُ الْحَاجَةَ فَيُزَوِّبُهَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ لَمَّا هُوَ خَيْرٌ لَهُ فَيَتَّهَمُ النَّاسَ
ظَلَمًا لَهُمْ فَيَقُولُ مَنْ سَبَعَنِي؛**

انسان حاجتی میخواهد و خدا برای مصلحتی حاجت او را بر نمی آورد و او بستم مردم را متهم میکند که کی حق مرا برد.

إِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ.

مردمی که در میان آنها کسی از خویشاوندان بریده باشد، رحمت خدا بر آنها فرود نمی آید.

إِنَّ الرَّزْقَ لِيَطَالِبُ الْعَبْدَ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ.

روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است.

**إِنَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعَ وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ وَالْجِبَالَ لِيلْعَنُ الشَّيْخُ الزَّانِي وَ إِنَّ فُرُوجَ
الزَّنَاةِ لِيُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ نَتْنِ رِيحِهَا.**

هفت آسمان و هفت زمین و کوه ها پیر زنا کار را لعنت می کنند و تعفن عورت زناکار جهنمیان را اذیت میکند.

إِنَّ السَّيِّدَ لَا يَكُونُ بَخِيلًا.

آقا بخیل نمیشود.

إِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَ هُوَ مِنَ الْإِثْنَيْنِ أَبْعَدُ.

شیطان با یکتن است و از دو تن دورتر است.

إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِّ.

شیطان مانند خون در تن انسان جاریست.

إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ وَ عَزَّتْكَ يَا رَبِّ لَا أُبْرِحُ أُغْوَى عِبَادَكَ مَا دَامَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ فَقَالَ الرَّبُّ وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا أَزَالُ أُغْفِرُ لَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُونِي.

شیطان گفت پروردگارا بعزت تو سوگند که تا وقتی که روح بندگان تو در تنشان است پیوسته آنها را گمراه میکنم، خداوند گفت بعزت و جلالم سوگند که تا وقتی از من بخشش طلبند پیوسته آنها را می بخشم.

إِنَّ الصَّبْحَةَ تَمْنَعُ بَعْضَ الرِّزْقِ.

خواب صبحگاهی مانع قسمتی از روزی می شود.

إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَدْفَعُ مِيتَةَ السَّوِّءِ.

صدقه خشم خداوند را فرو می نشاند و از مرگ بد جلوگیری میکند.

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَخْطَأَ خَطِيئَةً نَكَتَتْ فِي قَلْبِهِ نَكْتَةٌ سُودَاءٌ فَإِنْ هُوَ نَزَعَ وَ اسْتَغْفَرَ وَ تَابَ صَقَلَ قَلْبَهُ وَ إِنْ عَادَ زِيدَ فِيهَا حَتَّى تَعْلُوَ عَلَى قَلْبِهِ وَ هُوَ الرَّآنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى « كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ».

بنده وقتی گناهی کند نقطه سیاهی در دل او پدید می آید اگر از گناه دل بر کند و بخشش خواست و توبه کرد دلش صاف می شود و اگر گناهی دیگر کرد نقطه سیاه افزون می شود تا دل را فرو گیرد و این «چیرگی گناه» است که خداوند گوید: «نه بلکه گناهشان بر دلهايشان چیره شد»

إِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِظِّ وَافِرٍ.

دانشمندان وارث پیغمبرانند و دانش را از آن ها میراث برده اند هر کس دانش فرا گیرد سهم فراوان از میراث پیغمبران گرفته است.

إِنَّ الْفِتْنَةَ تَجِيءُ فتنسف العباد نسفاً و ينجو العالم منها بعلمه.

فتنه بیاید و بندگان را مغلوب کند و دانشمند بکمک دانش خود از آن رهائی یابد.

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا ابْتَلَاهُمْ.

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد آنها را مبتلا سازد.

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ تَرَى عَلَيْهِ.

وقتی خداوند نعمتی بنده ای بدهد دوست دارد که آن را بر او آشکار بیند.

إِنَّ اللَّهَ إِذَا غَضِبَ عَلَى أُمَّةٍ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا عَذَابٌ خَسَفَ وَ لَا مَسَخَ نَمَلَتْ أَسْعَارُهَا وَ يَحْبَسُ عَنْهَا أَمْطَارُهَا وَ يَلِي عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا.

وقتی خداوند بر قومی خشمگین شود و آنها را بر زمین فرو نبرد و مسخ نکند، قیمت‌هایشان گران شود و باران بر آنها کم بارد و اشرارشان زمام کارشان را به دست گیرند.

إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمَدْرَأَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ.

خداوند بمن فرمان داده با مردم بمدارا رفتار کنم، همچنان که مرا بادای واجبات مأمور ساخته است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا جَعَلَ رِزْقَهُ كِفَافًا.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد روزی او را بقدر کفایت کند.

**إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نَعْمَةً يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَيْهِ وَيَكْرَهُ
الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ وَيَبْغِضُ السَّائِلَ**

خداوند وقتی نعمتی ببنده ای دهد دوست دارد اثر نعمت بر او دیده شود و تظاهر
بتنگدستی را دوست ندارد و گدای پر رو را دشمن دارد و شخص باحیای عقیف

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَجَاوَزَ لِأُمَّتِي عَمَّا حَدَّثَتْ بِهِ أَنْفُسُهَا مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ أَوْ تَعْمَلْ بِهِ.

خداوند بر امت من چیزهایی را که در دلشان بگذرد اگر بگفتار و کردار منجر نشود
بخشیده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ سَخِيٌّ يَحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يَحِبُّ النَّظَافَةَ

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه
است و پاکیزگی را دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَوَادٌ يَحِبُّ الْجُودَ وَيَحِبُّ مَعَالِيَ الْأَخْلَاقِ وَيَكْرَهُ سَفْسَافَهَا.

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد و اخلاق عالی را دوست دارد و اخلاق
پست را دوست ندارد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَيْثُ خُلِقَ الدَّاءُ خُلِقَ الدَّوَاءُ فَتَدَاوُوا.

خداوند که درد را آفریده درمان را نیز آفریده پس دردهای خویش را درمان کنید.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ مَرَأَةٍ.

خداوند بهشت را بر ریا کار حرام کرده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَبِي كَرِيمٍ يَسْتَحْيِي إِذَا رَفَعَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ يَدَيْهِ أَنْ يَرُدَّهَمَا صَفْرًا خَائِبَتَيْنِ.

خداوند باحیا و بخشنده است وقتی مردی دست های خود را به سوی او بلند کرد شرم دارد که آن را خالی و نومید باز گرداند.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْجَنَّةَ بِيضَاءً وَأَحَبَّ شَيْءًا إِلَى اللَّهِ الْبِياضَ.

خداوند بهشت را سفید آفریده و سفیدی از همه رنگها پیش خدا محبوبتر است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الْيَسْرَ وَكَرِهَ لَهَا الْعُسْرَ.

خداوند برای این امت آسانی را پسندیده و سختی را نپسندیده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ حَرَّمَ عَلَى النَّارِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ.

خداوند هر کسی را که بگوید لا اله الا الله و از این سخن جز خدا منظوری نداشته باشد بجهنم حرام کرده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ.

خداوند بصورت ها و اموال شما نمینگرد، بلکه بدلهای و اعمال شما مینگرد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْنِي مَعْتًا وَ لَا مَتَعْتًا وَ لَكِن بَعَثَنِي مَعْلَمًا مَيِّسْرًا.

خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش نفرستاده بلکه آموزگار و آسانگیر فرستاده است.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ الْمَعْبُوسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ.

خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد دشمن دارد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْغُضُ ابْنَ السَّبْعِينَ فِي أَهْلِهِ ابْنَ عَشْرِينَ فِي مَشِيَّتِهِ وَ مَنْظَرِهِ.

خداوند پیر هفتاد ساله را که نیت و رفتار وی چون جوانان بیست ساله باشد دشمن دارد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ.

خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری میکند آن را کامل کند.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنِ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنِ فَضْلِ مَالِهِ.

خداوند از بنده میپرسد که فزونی دانش خود را کجا صرف کرده همچنان که از فزونی

مال می پرسد

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْبَلُ تَوْبَةَ الْعَبْدِ مَا لَمْ يَغْرُرْ.

خداوند تا دم واپسین توبه بنده را میپذیرد.

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ أَنَا مَعَ عَبْدِي مَا ذَكَرَنِي وَ تَحَرَّكَتْ بِي شَفْتَاهُ.

خداوند گوید تا هنگامی که بنده ام مرا یاد میکند و لبهایش بنام من میجنبند با او هستم.

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّ الْكُذْبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أْبْغَضُ الصِّدْقِ فِي الْفَسَادِ.

خداوند دروغ مصلحت آمیز را دوست دارد و از راست فساد انگیز بیزار است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَرْحَمُ مَنْ عْبَادَهُ إِلَّا الرَّحْمَاءُ.

خداوند فقط بندگان رحیم خود رحم میکند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ عَمَلَ عَبْدٍ حَتَّى يَرْضَى قَوْلَهُ.

خداوند عمل بنده را نمیپذیرد مگر آنکه از گفتار وی خشنود باشد

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَضَعْ دَاءً إِلَّا وَضَعَ لَهُ شِفَاءً.

خدا دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده است.

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً إِلَّا الْهَرَمَ.

خداوند دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده بجز پیری.

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً عِلْمُهُ مِنْ جَهْلِهِ وَ جَهْلُهُ مِنْ جَهْلِهِ، إِلَّا السَّامَ وَ هُوَ الْمَوْتُ.

خداوند دردی پدید نیاورده جز اینکه دوائی برای آن فرستاده هر که آن را بداند بداند و هر که نداند نداند بجز مرگ

إِنَّ اللَّهَ لِيُدْرِعَ بِالصَّدَقَةِ سَبْعِينَ مِائَةً مِنَ السَّوِّءِ

خداوند بوسیله صدقه هفتاد قسم مرگ بد را دفع میکند.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمَلْحِينَ فِي الدَّعَاءِ.

خداوند کسانی را که در کار دعا اصرار میورزند دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ.

خداوند دل غمگین را دوست دارد.

إِنَّ اللَّهَ يَنْهَيْكُمْ عَنْ قِيلٍ وَقَالَ.

خداوند شما را از گفتگوهای بیهوده نهی کرده است.

إِنَّ الَّذِي يَأْكُلُ أَوْ يَشْرَبُ فِي آنِيَةِ الْفِضَّةِ وَالذَّهَبِ إِنَّمَا يَجْرُجُ فِي بَطْنِهِ نَارَ جَهَنَّمَ.

کسی که در ظرف نقره و طلا میخورد و می آشامد آتش جهنم را در شکم خود فرو میبرد.

إِنَّ الْمُتَحَاتِّينَ فِي اللَّهِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ.

آن ها که در راه خدا دوستی میکنند در سایه عرش جای دارند.

إِنَّ الْمَرْأَةَ تَنْكحُ لِدِينِهَا وَ مَالِهَا وَ جَمَالِهَا فَعَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ.

زن برای دین و مال و جمالش گیرند زن دین دار بجوئید.

إِنَّ النَّاسَ لَمْ يَعْطُوا شَيْئًا خَيْرًا مِنْ خَلْقِ حَسَنٍ.

بمردم چیزی بهتر از اخلاق نیک نداده اند.

إِنَّ أَهْلَ الشَّعْبِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَهْلُ الْجُوعِ غَدَا فِي الْآخِرَةِ.

سیران این جهان گرسنگان آن جهانند.

إِنَّ أَوْثَقَ عَرَى الْإِسْلَامِ أَنْ تَحِبَّ فِي اللَّهِ وَتَبْغُضَ فِي اللَّهِ.

محکمترین دستاویزهای اسلام این است که کسیرا برای خدا دوست داری و کسیرا برای خدا دشمن داری.

إِنَّ حَسْنَ الْخَلْقِ لِيَذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تَذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.

خوش اخلاقی گناه را محو میکند چنان که آفتاب یخ را آب می کند.

إِنَّ رَبَّكَ يَحِبُّ الْمُحَامِدَ.

خدای تو ستایش را دوست دارد

إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ يَكُونَ نَطْقِي ذِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا.

پروردگارم بمن فرمان داده که سخنم ذکر باشد و نظرم مایه عبرت.

إِنَّ رُوحَ الْقُدْسِ نَفْثٌ فِي رُوعِي أَنْ نَفْسًا لَنْ تَمُوتَ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ أَجْلَهَا وَتَسْتَوْعِبَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ وَلا يَحْمِلَنَّ أَحَدُكُمْ اسْتِبْطَاءَ الرِّزْقِ أَنْ يَطْلُبَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لا يَنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ.

روح القدس این پندار را در خاطر من انداخت که هیچ کس نمیمیرد جز آنکه روزش پایان برسد و روزی خود را تمام کند پس از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید و اگر روزی یکی از شما دیر رسید آن را بوسیله معصیت خدا نجوید زیرا آنچه پیش خداست جز بوسیله اطاعت او بدست نمی آید.

إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْزِلُهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَنْ يَخَافُ النَّاسَ مِنْ شَرِّهِ.

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از شر او بترسند.

إِنَّ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ فَرَقَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ فَحْشِهِ.

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از بیم بد زبانش از او حذر کنند.

إِنَّ صَدَقَةَ النَّاسِ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ إِنَّ صَلَاةَ الرَّحْمَنِ تَزِيدُ فِي الْعَمْرِ وَ إِنَّ صِنَاعَةَ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السَّوِّءِ.

صدقه نهان خشم خدا را فرو مینشاند و نیکی با خویشاوندان عمر را افزون میکند و کارهای نیک از مرگهای بد جلوگیری میکند.

إِنَّ فِي الْجَسَدِ مِزْجًا إِذَا صَلَحَ الْجَسَدُ كَلَّهُ وَ إِذَا فَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ كَلَّهُ أَلَا وَ هِيَ الْقَلْبُ.

در تن پاره گوشتی است که وقتی بصلاح گراید تمام تن بصلاح آید و وقتی فاسد شود همه تن فاسد شود و آن قلبست.

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مِائَةَ دَرَجَةٍ لَوْ أَنَّ الْعَالَمِينَ اجْتَمَعُوا فِي إِحْدَاهِنَّ لَوْ سَعْتَهُمْ.

در بهشت صد درجه هست که اگر جهانیان در یکی از آن ها مجتمع شوند در آن جای گیرند.

إِنَّ فِي الْحَجَمِ شِفَاءً.

حجامت مایه شفاست.

إِنَّ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَ لَا أُذُنَ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ أَحَدٍ.

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در خاطر کسی گذشته است.

إِنَّ كَذِبًا عَلَى لَيْسَ كَكَذِبِ عَلَى أَحَدٍ فَمَنْ كَذَبَ عَلَى مَتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

دروغ بستن بر من مثل دروغ بستن بر دیگری نیست هر که بعمد بر من دروغ بندد در آتش جای گیرد.

إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ وَ لَنْ سَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ.

مال شما بهمه مردم نمی رسد پس با اخلاق خود همه را خرسند کنید.

إِنَّ لَجَهَنَّمَ بَابًا لَا يَدْخُلُهُ إِلَّا مَنْ شَفِيَ غَيْظَهُ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ.

جهنم دروازه ای دارد که فقط کسانی که خشم خود را بگناه خدا فرو نشانده باشند از آن داخل میشوند.

إِنَّ لِصَاحِبِ الْحَقِّ مَقَالًا.

آنکه حق دارد گفتاری مؤثر دارد.

إِنَّ لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا لِلصَّائِمِ الصَّابِرِ.

پاداش آنکه غذا میخورد و شکر میگزارد مانند روزه دار صبور است

إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةً وَإِنَّ فِتْنَةَ أُمَّتِي الْمَالُ.

هر امتی را بلیه ای هست و بلیه امت من مال است.

إِنَّ لِكُلِّ دِينٍ خَلْقًا وَإِنَّ خَلْقَ هَذَا الدِّينِ الْحَيَاءُ.

هر دینی خوی خاص دارد و خوی دین ما حیاست.

إِنَّ لِكُلِّ شَجَرَةٍ ثَمْرَةٌ وَ ثَمْرَةُ الْقَلْبِ الْوَلْدُ.

هر درختی میوه ای دارد و میوه دل فرزند است.

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةً وَ دَعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ وَ لَفْقِيهِ وَاحِدٌ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ.

هر چیزی اساسی دارد و اساس این دین دانش است و یک دانشمند برای شیطان از هزار عابد بدتر است.

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مَعْدِنًا وَ مَعْدِنُ التَّقْوَى قُلُوبُ الْعَارِفِينَ.

هر چیزی معدنی دارد و معدن پرهیزکاری دل عارفانست.

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّ مَا أَصَابَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَخْطِئْهُ وَ مَا أَخْطَأَهُ لَمْ يَكُنْ لِيَصِيبْهُ.

هر چیزی حقیقتی دارد و بنده بحقیقت ایمان نمیرسد مگر اینکه بداند که هر چه باو رسیده ممکن نبود نرسد و هر چه بدو نرسیده ممکن نبود برسد.

إِنَّ لِّلَّهِ عِنْدَ أَقْوَامٍ نِعْمًا يَقْرَهُهَا عِنْدَهُمْ مَا دَامُوا فِي حَوَائِجِ النَّاسِ مَا لَمْ يَمْلُوا فَإِذَا مَلَّوْا نَقَلَهَا اللَّهُ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ.

خداوند پیش بعضی مردم نعمت هائی دارد که تا وقتی از انجام حوائج مردم باز نمیمانند نعمت خود را پیش آنها نگاه میدارد و همین که از این کار باز ماندند نعمت را به اشخاص دیگر منتقل میکند.

إِنَّ لِّلَّهِ مَلَكَ يَنَادِي عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ: يَا بَنِي آدَمَ قُومُوا إِلَيَّ نِيرَانِكُمُ الَّتِي أَوْ قَدْتُمُوهَا عَلَيَّ أَنْفُسِكُمْ فَأَطْفُوْهَا بِالصَّلَاةِ.

خداوند فرشته ای دارد که هنگام نماز بانگ میزند آدمیزاده گان برخیزید و آتشفانی را که بر خویشتن افروخته اید بنماز خاموش کنید.

إِنَّ مِنَ الذَّنُوبِ ذُنُوبًا لَا يَكْفُرُهَا الصَّلَاةُ وَ لَا الصِّيَامُ وَ لَا الْحَجُّ وَ لَا الْعَمْرَةَ، يَكْفُرُهَا الْهَمُومُ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.

بعضی گناهان هست که نماز و روزه و حج و عمره آن را محو نمی کند فقط گرفتاری در طلب معاش آن را نابود میکند.

إِنَّ مِثْلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمِثْلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يَهْتَدِي بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، فَإِذَا انْطَمَسَتْ النُّجُومُ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهَدَاةُ.

دانشمندان در زمین مانند ستارگان آسمانند که در ظلمات خشکی و دریا بکمک آن راه جویند و همین که ستارگان نمانند ممکن است ره یافتگان نیز گمراه شوند.

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ قَيْلٍ فَمَا جَلَاءُهَا قَالَ ذَكَرَ الْمَوْتَ وَ تَلَاوَهُ الْقُرْآنَ.

دلها مانند آهن زنگ میزند گفتند صیقل آن چیست؟ گفت یاد مرگ و خواندن قرآن.

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا.

دلها مانند ظرف است و بهتر از همه دلیست که ظرفیت آن بیشتر است.

إِنَّمَا الْأَمَلُ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لِأُمَّتِي، لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ أُمَّمٌ وَلَدًا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا.

امید رحمت خدا برای امت من است اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمیکاشت.

إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ الْخَوَاتِيمِ.

ارزش اعمال به نیت و سرانجام آنست.

إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ وَ إِنَّمَا الْحِلْمُ بِالْتَّحَلُّمِ وَ مَنْ يَتَحَرَّ الْخَيْرَ يُعْطَهُ وَ مَنْ يَتَّقِ الشَّرَّ يُوقَهُ.

علم از تعلم و حلم از تظاهر به حلم حاصل می شود هر که جویای خیر باشد همانش دهند و هر که از شر بگریزد از آن بر کنار ماند.

إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ وَ إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ.

هلاک پیشینیان شما از آنجا بود که دزد معتبر را رها میکردند و دزد ضعیف را مجازات میدادند.

إِنَّمَا بَعَثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

من مبعوث شدم تا فضائل اخلاق را بکمال رسانم.

إنما شفاء العیّ السّؤال.

علاج نادانی سؤال است.

إنّما مثل القلب مثل ریشه بالفلاء تعلّقت فی أصل شجرة یقلّبها الرّیح ظهرا لبطن.

دل مانند رشته ایست در بیابانی بدرختی آویخته که باد پیوسته آن را زیر و رو میکند.

إنّما یبعث النّاس علی نیّاتهم.

مردم مطابق پندارهای خود محشور میشوند.

إنّما یدخل الجنّة من یرجوها و إنّما یجنّب النّار من یخافها و إنّما یرحم الله من یرحم.

کسی بهشت میرود که امید آن دارد و کسی از جهنم دور می ماند که از آن بیمناک باشد، خداوند فقط بکسی رحم میکند که رحم کند.

إنّما یدرک الخیر کلّه بالعقل و لا دین لمن لا عقل له.

همه خوبیها را بعقل می توان دریافت و هر که عقل ندارد دین ندارد.

إنّما یسلّط الله علی ابن آدم من خافه ابن آدم و لو أنّ ابن آدم لم یخف غیر الله لم یسلّط الله علیه أحدا و إنّما و کل ابن آدم لمن رجا ابن آدم و لو أنّ ابن آدم لم یرج إلّا الله لم یكله الله إلی غیره.

خداوند کسی را که آدمیزاد از او می ترسد بر وی مسلط می کند اگر جز خدا از کسی نمی ترسید خدا کسی را بر او مسلط نمیکرد آدمیزاد بکسی که بدو امیدوار است واگذار می شود و اگر جز خدا بکسی امید نداشت خدا او را بدیگری وانمیگذاشت.

إِنِّي فِيمَا لَمْ يَوْحَ إِلَيَّ كَأَحَدِكُمْ.

من در چیزهایی که بمن وحی نرسیده مانند یکی از شما هستم.

إِنِّي لَمْ أُوْمِرْ أَنْ أَنْقُبَ عَلَى قُلُوبِ النَّاسِ وَ لَا أَشُقَّ بِطُونِهِمْ.

من مأمور نیستم بر دل‌های مردم راه یابم یا باطن آنها را بشکافم.

أُولَى النَّاسِ بِالْتَّهْمَةِ مِنْ جَالِسِ أَهْلِ التَّهْمَةِ.

هر که با متهمان آمیزش کند بیشتر از همه مردم سزاوار تهمت است.

أَوَّلُ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ.

نخستین مرحله عبادت خاموشی است.

أَوَّلُ مَا تَفْقَدُونَ مِنْ دِينِكُمْ الْأَمَانَةُ وَ آخِرُ مَا تَفْقَدُونَ الصَّلَاةَ.

نخستین چیزی که از دین خود از دست می‌دهید امانت است و آخرین چیزی که از دست می‌دهد نماز است.

أَوَّلُ مَا يَحْسَبُ بِهِ الصَّلَاةَ.

نخستین چیزی که بحساب آن می‌رسند نماز است.

أَوَّلُ مَا يُوْزَنُ فِي الْمِيزَانِ الْخَلْقُ الْحَسَنُ.

نخستین چیزی که در ترازو گذاشته می‌شود خلق نیک است.

**إِيَّاكُمْ وَ التَّعَمُّقَ فِي الدِّينِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَهُ سَهْلًا، فَخُذُوا مِنْهُ مَا تَطِيقُونَ
فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَا دَامَ مِنْ عَمَلٍ صَالِحٍ وَ إِنْ كَانَ يَسِيرًا.**

از کنجکاوی در کار دین به پرهیزید زیرا خداوند دین را آسان قرار داده است بنا بر این از مسائل دین آنچه را طاققت دارید فرا گیرید زیرا خداوند کار نیک بادوام را دوست دارد اگر چه اندک باشد

إِيَّاكُمْ وَ الحَسَدَ فَإِنَّ الحَسَدَ يَأْكُلُ الحَسَنَاتِ كَمَا يَأْكُلُ النَّارُ الحَطَبَ.

از حسد پرهیزید زیرا حسد کارهای نیک را می خورد چنان که آتش هیزم را می خورد.

إِيَّاكُمْ وَ الدِّينَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ.

از قرض پرهیزید که غم شب و ذلت روز است.

إِيَّاكُمْ وَ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ هُوَ الفَقْرُ الحَاضِرُ.

از طمع پرهیزید که فقر آماده است.

إِيَّاكُمْ وَ الغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكُ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالغُلُوِّ فِي الدِّينِ.

از افراط در کار دین پرهیزید که پیشینیان شما از افراط در کار دین هلاک شدند.

إِيَّاكُمْ وَ الكَذِبَ فَإِنَّ الكَذِبَ مَجَانِبُ لِلإِيمَانِ.

از دروغ پرهیزید که دروغ با ایمان سازگار نیست.

إِيَّاكُمْ وَ المَدْحَ فَإِنَّهُ الذَّبْحُ؛

از مدح کردن پرهیزید که مانند سر بریدن است.

إِيَّاكُمْ وَ خُضَاءَ الدَّمَنِ قِيلَ وَ مَا خُضَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ سَوْءٍ.

از سبزه مزبله پرهیزید گفتند سبزه مزبله چیست؟ گفت زن زیبا در خانواده بد.

إِيَّاكُمْ وَ مُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مُحْرَمٌ إِلَّا هُمَّ بِهَا.

از گفتگو با زنان پرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت کند، قصد او میکند.

إِيَّاكَ وَ السَّوَالَ فَإِنَّهُ ذَلَّ حَاضِرٌ وَ فَقْرٌ تَتَعَجَّلُهُ.

از سؤال و تقاضا پرهیز که سؤال ذلت نقد است و فقریست که در رسیدن آن شتاب می کنی.

إِيَّاكَ وَ اللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَ آخِرُهَا نِدَامَةٌ.

از لجاجت پرهیز که آغازش جهالت است و انجامش ندامت.

إِيَّاكَ وَ قَرِينَ السَّوْءِ فَإِنَّكَ بِهِ تَعْرِفُ.

از یار بد پرهیز که ترا بدو شناسند.

إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ كَسْرَابٌ يَقْرَبُ إِلَيْكَ الْبَعِيدُ وَ يَبْعَدُ إِلَيْكَ الْقَرِيبُ.

از مصاحبت دروغگو پرهیز که دروغگو چون سراب است دور را نزدیک می نماید و نزدیک را دور.

إِيَّاكَ وَ مَصَاحِبَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضِرُّكَ.

از مصاحبت احمق بگریز که می خواهد بتو نفع رساند ضرر می رساند.

أَيُّمَا رَجُلٍ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا عَلَى عَشْرَةِ أَنْفُسٍ عَلِمَ أَنَّ فِي الْعَشْرَةِ أَفْضَلَ مِمَّنْ اسْتَعْمَلَ فَقَدْ غَشَّ اللَّهَ وَ غَشَّ رَسُولَهُ وَ غَشَّ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ.

هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقلب کرده است.

أَيُّمَا رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهَا مِنْ صَدَاقِهَا شَيْئًا مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ هُوَ زَانٍ وَ أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ بَيْعًا فَنَوَى أَنْ لَا يُعْطِيَهُ مِنْ ثَمَنِهِ شَيْئًا مَاتَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ هُوَ خَائِنٌ وَ الْخَائِنُ فِي النَّارِ.

هر که زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد و هر کس چیزی از مردی بخرد و در خاطر داشته باشد که قیمت آن را نپردازد هنگام مرگ چون خائنان بمیرد و خائن در آتش است.

أَيُّمَا رَجُلٍ ظَلَمَ شَبْرًا مِنَ الْأَرْضِ كَلَفَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُحْفَرَهُ حَتَّى يَبْلُغَ آخِرَ سَبْعِ أَرْضِينَ ثُمَّ يَطُوقَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ.

هر کس بقدر یک و جب زمین را بناحق تصرف کند روز رستاخیز خدا وادارش میکند که آن را تا عمق زمین هفتم بکند و طوق گردن کند تا رسیدگی میان مردم پایان رسد.

أَيُّمَا شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سَنَةِ عَجٍّ شَيْطَانَهُ يَأْتِيهِ عَصَمٌ مِّنِّي دِينَهُ.

هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد شیطان وی بانگ برآورد وای بر او دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت.

أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ أَدْخَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْجَنَّةَ.

هر مسلمانی که چهار تن بنیکی او شهادت دهند خدا او را بهشت می برد.

أَيُّمَا وَالٍ وَلِيٍّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي فَلَمْ يَنْصَحْ لَهُمْ وَ يَجْتَهِدْ لَهُمْ كَنْصِيحَتِهِ وَ جَهْدِهِ لِنَفْسِهِ كَبَّهَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى وَجْهِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي النَّارِ.

هر زمامداری چیزی از کار امت مرا بدست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دلسوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد.

أَيُّمَا وَالٍ وَلِيٍّ فُلَانٍ وَ رَفَقَ رَفَقَ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

هر کس بزمامداری برسد و با مردم بملایمت و مدارا رفتار کند خداوند روز قیامت با او مدارا کند.

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ فَإِنَّ نَفْسًا لَنْ تَمُوتَ حَتَّى تَسْتَوْفِيَ رِزْقَهَا وَ إِنْ أَبْطَأَ عَنْهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ.

ای مردم از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید زیرا هیچ کس نمیمیرد تا روزی خود را پایان برد اگر چه روزی او دیر برسد از خدا بترسید و در کار طلب معتدل باشید.

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، كَلَّكُمْ لَأَدَمَ وَ آدَمَ مِنْ تَرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِيٍّ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

ای مردم خدای شما یکی و پدر شما یکی است همه فرزند آدمید و آدم از خاک است هر کس از شما پرهیزکارتر است پیش خدا بزرگوارتر است عربی بر عجمی جز پرهیزکاری امتیاز ندارد.

أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قَلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يَخَالَفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلِمَ أَقْلَهُ.

ای مردم هر چه از من برای شما نقل کردند و موافق قرآنست من گفته ام و هر چه برای شما نقل کردند و مخالف قرآنست من نگفته ام.

الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ كِفَاعِلُهُ.

آنکه بکار نیک فرمان دهد مانند کسی است که آن را انجام می دهد.

الإِحْسَانُ أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

نیکی آنست که خدا را چنان پرستش کنی گوئی که او را می بینی اگر تو او را نمیبینی او تو را می بیند.

الإِسْتِغْفَارُ مِمَّحَاةٌ لِلذَّنُوبِ.

استغفار وسیله محو گناهانست.

الإِسْلَامُ عِلَانِيَةٌ وَ الإِيْمَانُ فِي الْقَلْبِ.

اسلام آشکار است و ایمان در دل نهفته است.

الْاِقْتِصَادُ نِصْفُ الْعَيْشِ وَ حَسَنُ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ.

میانه روی یک نیمه معیشت است و خوش خلقی یک نیمه دین است.

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ الْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ.

امانت موجب رزق است و خیانت باعث فقر.

الأناة من الله و العجلة من الشيطان.

تأنی از یزدان است و شتاب از شیطان.

الإيمان بالقدر يذهب الهمّ و الحزن.

اعتقاد بتقدیر غم و اندوه را میبرد.

الإيمان معرفةً بالقلب و قولاً باللسان و عمل بالأركان.

ایمان معرفت قلب است و گفتار زبان و عمل اعضاء.

الإيمان نصفان نصف في الصبر و نصف في الشكر.

ایمان دو نیمه است نیمی صبر و نیمی شکر.

بادر بأربع قبل أربع:

شبابك قبل هرمك و صحتك قبل سقمك و غناك قبل فقرك و حياتك قبل موتك.

چهار چیز را پیش از چهار چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و توانگری پیش از فقر و زندگی پیش از مرگ

باكروا بالصدقة فإنّ البلاء لا يتخطى الصدقة.

بامداد خود را با صدقه آغاز کنید زیرا بلا از صدقه نمیگذرد.

بحسب المرء إذا رأى منكرا لا يستطيع له تغييرا أن يعلم الله تعالى أنه له منكر.

برای مرد کافست که وقتی ناروایی دید و نمی تواند آن را تغییر دهد خدا بداند که قلبا از آن بیزار است.

بر الوالدين يزيد في العمر و الكذب ينقص الرزق و الدعاء يرد القضاء.

نیکی با پدر و مادر عمر را افزون کند و دروغ روزی را کاهش دهد و دعا قضا را دفع کند.

بروا آباءكم تبركم أبناءكم و عفوا تعف نساؤكم.

با پدران خود نیکی کنید تا فرزندانتان با شما نیکی کنند و عقیف باشید تا زنان شما عقیف باشند.

بعثت بالحنيفية السمحة و من خالف سنتي فليس مني.

من دینی ساده و آسان آورده ام و هر که با روش من مخالفت کند از من نیست.

بيت لا صبيان فيه لا بركة فيه.

خانه که بچه در آن نیست برکت در آن نیست.

بين العالم و العابد سبعون درجة.

میان عالم و عابد هفتاد درجه است.

بين العبد و بين الكفر ترك الصلوة.

میان بنده و کفر ترک نماز فاصله است.

البادئ بالسلام بری ء من الکبر.

آنکه سلام آغاز می کند از تکبر بر کنار است.

باکروا فی طلب الرزق و الحوائج فإن الغدو برکه و نجاح.

صبح زود در طلب روزی و حاجتهای خود بروید، زیرا صبح- خیزی مایه برکت و رستگاریست.

البطانة تقسی القلب.

پر خوری دل را سخت میکند.

البرّ ما اطمأنّ إليه القلب و اطمأنت إليه النفس و الإثم ما حاک فی النفس و تردّد فی الصّدر و إن أفتاک المفتون.

نیکی آنست که دل بدان آرام گیرد و روح از آن اطمینان یابد و بدی آنست که بر دل ننشیند و دوست نداری مردم از آن خبر دار شوند دیگران هر چه می خواهند بگویند.

البلاد بلاد الله و العباد عباد الله فحيثما أصبت خيرا فأقم.

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدایند، هر جا نیکی بتو رسید اقامت گیر.

ترك الدنيا أمر من الصبر و أشد من حطم السيوف في سبيل الله عزّ و جلّ.

گذشتن از دنیا از صبر تلختر و از شکستن شمشیرها در راه خدا سخت تر است.

تفكروا في الخلق و لا تفكروا في الخالق فإنكم لا تقدرون قدره.

در باره خلق بیندیشید و در باره خالق میندیشید که بکنه ذات او نتوانید رسید.

تفکروا فی خلق الله و لا تفکروا فی الله فتهلکوا.

در باره خلق تفکر کنید و در باره خدا تفکر مکنید که هلاک خواهید شد.

تمسّحوا بالأرض فإنّها بکم برّة.

زمین را مسح کنید که نسبت به شما نیکست.

التاجر الأمين الصدوق المسلم مع الشهداء يوم القيامة.

تاجر درستکار راست گوی مسلمان روز رستاخیز با شهیدان است.

التاجر ينتظر الرزق و المحتكر ينتظر اللعنة.

تاجر در انتظار روزیست و محتکر در انتظار لعنت.

التسویف شعار الشیطان یلقیه فی قلوب المؤمنین.

اهمال شعار شیطانست که آن را در دل مؤمنان افکند.

تَبَسِّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ، وَ أَمْرُكَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ
صَدَقَةٌ وَ إِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي أَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ وَ إِمَامَتُكَ الْحَجْرَ وَ
الشُّوكَ وَ الْعِظِيمَ عَنِ الطَّرِيقِ لَكَ صَدَقَةٌ.

لبخند تو بر روی برادرت صدقه است امر بمعروف و نهی از منکر کردنت صدقه است و
رهنمائی کسی که راه را گم کرده صدقه است و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه
صدقه است.

تَحَرَّوْا الصَّدَقَ وَ إِنْ رَأَيْتُمْ أَنَّ فِيهِ الْهَلَكَةَ فَإِنَّ فِيهِ النَّجَاءَ وَ اجْتَنِبُوا الْكُذْبَ وَ إِنْ رَأَيْتُمْ أَنَّ فِيهِ النَّجَاءَ فَإِنَّ فِيهِ الْهَلَكَةَ.

راستی کنید اگر چه پندارید مایه هلاک است که راستی مایه نجات است و از دروغ پرهیزید اگر چه پندارید مایه نجات است که دروغ مایه هلاک است.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٌ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَ هِيَ مَخْبِرَةٌ بِهِ.

حرمت زمین را بدارید که بمنزله مادر شماست و هر که روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر میدهد.

تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَأَنْكَحُوا الْأَكْفَاءَ وَ أَنْكَحُوا إِلَيْهِمْ.

برای نطفه های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص همشان خود زن بگیرید و بآنها زن بدهید.

تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَخَوَاتِهِنَّ.

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می آورند.

تَدَاوَوْا بِأَلْبَانِ الْبَقَرِ فَإِنِّي أُرْجُوا أَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهَا شِفَاءً فَإِنَّهَا تَأْكُلُ مِنْ كُلِّ الشَّجَرِ.

با شیر گاو مداوا کنید زیرا من امیدوارم که خدا در آن شفا قرار داده باشد زیرا از همه درختان میچرد.

**تری المؤمنین فی تراحمهم و توادهم و تعاطفهم کمثل الجسد اذا اشتکی
عضوا تداعی له سائر جسده بالسهر و الحمی.**

مؤمنان در مهربانی و دوستی یک دیگر چون اعضای یک پیگردند که وقتی عضوی بدرد
آید اعضای دیگر آرام نگیرند.

تزوجوا النساء فإنهنّ یأتینّ بالمال.

زن بگیرید که زنان توانگری می آورند.

تزوجوا الودود الولود فإنّی مکاتر بکم الأنبیاء.

زن مهربان و بچه آور بگیرد زیرا من بکثرت شما بر سایر پیغمبران افتخار می کنم.

تزوجوا فإنّی مکاتر بکم الامم و لا تكونوا کرهبانیة النّصارى.

زن بگیرید که من بکثرت شما بر ملل دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت
پیش مگیرید.

تعشوا و لو بکفّ من حشفّ فإنّ ترک العشاء مهرمه.

شام بخورید اگر چه مشتی خرما پست باشد زیرا شام نخوردن مایه ضعف و پیری است.

**تفتح أبواب السماء نصف اللیل فینادی مناد: هل من داع فیستجاب له؟ هل
من سائل فیعطی؟ هل من مکروب فیفرّج عنه؟ فلا یبقی مسلم یدعو بدعوه إلاّ
استجاب الله تعالی له إلاّ زانیة تسعى بفرجها أو عشار.**

نیم شب درهای آسمان را بگشایند و یکی ندا کند آیا کسی هست دعا کند تا مستجاب
شود، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا باو داده شود، آیا غمزده ای هست که غمش

تخفیف یابد در این هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می پذیرد مگر زن زناکاری که با ناموس خود کسب کند یا عشاری که مال مردم بستم میگیرد.

تفتح أبواب السماء و يستجاب الدعاء في أربعة مواطن: عند التقاء الصفوف في سبيل الله و عند نزول الغيث و عند إقامة الصلاة و عند رؤية الكعبة.

چهار موقع درهای آسمان را بگشایند و دعاها را مستجاب کنند. هنگام تلاقی صف مبارزان در راه خدا و هنگام نزول باران و هنگام نماز و هنگام دیدار کعبه.

تفرغوا من هموم الدنيا ما استطعتم فإنه من كانت الدنيا أكبر هممه أفسى الله ضيعته و جعل فقره بين عينيه و من كانت الآخرة أكبر هممه جمع الله تعالى أمره و جعل غناه في قلبه.

هر چند توانید از غم دنیا فارغ مانید زیرا هر که غم جهان بیشتر خورد خداوند مالش را فراوان کند و فقر او را روبرویش نهد و هر که غم آخرت بیشتر خورد خداوند کارش را بنظام آرد و بی نیازی او را در دلش قرار دهد.

تفكروا في آلاء الله و لا تفكروا في الله.

در نعمتهای خدا بیندیشید اما در باره ذات خدا میندیشید.

تفكروا في كل شيء و لا تفكروا في ذات الله.

در همه چیز بیندیشید ولی در ذات خدا میندیشید.

تَنْظَفُوا بَكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَ لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلٌّ نَظِيفٌ.

هر چه می توانید پاکیزه باشید زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی نهاده و جز مردم پاکیزه کسی بهشت نمی رود.

تَهَادُوا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَضَعُ الْحَبَّ وَ تَذْهَبُ بَعَوَائِلَ الصَّدْرِ.

هدیه به یک دیگر بدهید تا رشته محبتتان استوار شود زیرا هدیه محبت را بیافزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد.

ثَلَاثٌ مَنْجِيَّاتٍ: تَكْفٌ لِسَانِكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ يَسْعَكَ بَيْتُكَ.

سه چیز مایه نجات است زبان خود را نگهداری بر گناه خویش گریه کنی و در خانه خویش مقام گیری.

ثَلَاثٌ يَجْلِبِنُ الْبَصَرَ: النَّظْرُ إِلَى الْخَضْرَاءِ وَ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ.

سه چیز چشم را قوت میدهد، دیدن سبزه و آب جاری و روی خوب.

ثَلَاثَةٌ لَا تَحْرَمُ عَلَيْكَ أَعْرَاضَهُمُ الْمَجَاهِرُ بِالْفَسْقِ وَ الْإِمَامُ الْجَائِرُ وَ الْمُبْتَدِعُ.

سه کسند که آبرویشان محترم نیست. آنکه بفسق تجاهر کند و پیشوای ستمگر و بدعت گذار.

ثلاثة لا يجيبهم ربك عزّ وجلّ رجل نزل بيتا خربا و رجل نزل على طريق السبيل و رجل أرسل دابته ثم جعل يدعو الله أن يحبسها.

سه کسند که خدا دعایشان را نمیپذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردیکه حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگهدارد.

ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيامة العاق لوالديه و المرأة المترجلة المشبهة بالرجال و الديوث.

سه کسند که خدا روز رستاخیز بسوی آنها نمیگرد عاق والدین و زنی که مرد نما باشد و دیوث.

ثلاثة لا ينفع معهنّ عمل، الشرك بالله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف.

سه گناهست که با وجود آن هیچ کار نیکی سودمند نیست شریک قرار دادن برای خدا و ناخشنودی پدر و مادر و فرار از جنگ.

ثلاثة من مكارم الأخلاق عند الله: أن تعفو عنّ ظلمك و تعطي من حرمك و تصل من قطعك.

سه چیز است که در پیش خدا از فضائل اخلاق است، آنکه از ستم گر درگذری و کسی را که تو را محروم کرده است عطا دهی و با آنکه از تو بریده است پیوند گیری

ثلاثة نفر كان لأحدهم عشرة دنانير فتصدق منها بدینار و كان لآخر عشر أواق فتصدق منها بأوقية و آخر كان له مائة أوقية فتصدق منها بعشر أواق هم في الأجر سواء كل تصدق بعشر ماله.

سه نفر بودند یکی ده دینار داشت و یک دینار صدقه داد و دیگری ده اوقیه طلا داشت و یک اوقیه صدقه داده و سومی صد اوقیه طلا داشت و ده اوقیه صدقه داد همه در ثواب برابرند زیرا هر کدام ده یک مال خود را صدقه داده اند.

ثلاثة يتحدّثون في ظلّ العرش آمینین و الناس في الحساب: رجل لم تأخذه في الله لومة لائم و رجل لم يمدّ يديه إلى ما لا يحلّ له و رجل لم ينظر إلى ما حرّم الله عليه.

سه کسند که در سایه عرش آسوده گفتگو میکنند و مردم گرفتار حسابند آنکه در راه خدا از ملامتگران باک ندارد و آنکه دستهای خود را بآنچه بر او حلال نیست دراز نکند و کسی که بآنچه خدا بر او حرام کرده ننگرد.

ثلاث من كنّ فيه فهو منافق و إن صام و صلّى و حجّ و اعتمر و قال: «إني مسلم» من إذا حدّث كذب و إذا وعد أخلف و إذا ائتمن خان.

سه چیز است که در هر که هست منافقت اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و حج و عمره کند و گوید من مسلمانم، آنکه وقتی سخن گوید دروغ گوید و وقتی وعده کند تخلف ورزد و وقتی امانت گیرد خیانت کند.

الثّالث و الثّالث كثير إنك أن تذر ورثتك أغنياء خير من أن تذرهم عالة يتكفّون الناس و إنك لن تنفق نفقة تبتغي بها وجه الله إلاّ أجرت بها حتى ما تجعل في في امرأتك.

ضمن وصیت فقط ثلث مال خود را بدیگران ده و ثلث بسیار است تو اگر وارثان خود را بی نیاز واگذاری بهتر از آنست که فقیر و محتاج مردم باشند، تو هیچ خرجی در راه خدا نمیکنی مگر آنکه در مقابل آن پاداش مییابی حتی غذائی که بزَن خود میخورانی.

جددوا إيمانكم أكثروا من قول «لا إله إلا الله».

ایمان خود را تازه کند، لا إله إلا الله بسیار گوئید.

الجار قبل الدار و الرفیق قبل الطریق و الزاد قبل الرحیل.

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید جست.

الجماعة رحمة و الفرقة عذاب.

جماعت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.

الجنة تحت أقدام الامهات.

بهشت زیر قدم مادران است.

حب الدنيا رأس كل خطيئة.

حرس ليلة في سبيل الله عزّ و جلّ أفضل من ألف ليلة يقام ليها و يصام نهارها.

یک شب نگهبانی در راه خدا از هزار شب که نماز خوانند و روز آن را روزه دارند بهتر است.

حَفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَ حَفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ.

بهشت با ناملایمات قرین است و جهنم با خواستنی ها همراه است.

حَلْوَةُ الدُّنْيَا مَرَّةً الْآخِرَةَ وَ مَرَّةً الدُّنْيَا حَلْوَةُ الْآخِرَةِ.

شیرینی دنیا تلخی آخرت و تلخی دنیا شیرینی آخرت است.

الْحَزْمُ سُوءُ الظَّنِّ.

دور اندیشی بد گمان بودن است.

دوست داشتن دنیا سر همه گناهان است.

حَبَّبَ إِلَيَّ مِنَ دُنْيَاكُمْ النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ وَ جَعَلَتْ قَرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ.

من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و روشنی چشم من در نماز است.

حَبَّكَ لِلشَّيْءِ يَعْمَى وَ يَصِمُّ.

محبتی که نسبت به چیزی داری کور و کرت میکند.

حَجَبَتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ وَ حَجَبَتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ.

جهنم را بخواستنی ها پوشانیده اند و بهشت را بمکروهات مستور داشته اند.

حَدَّ الْجَوَارِ أَرْبَعُونَ دَارًا.

حد همسایگی چهل خانه است

حدثني جبريل قال: يقول الله تعالى: «لا إله إلا الله حصني فمن دخله أمن من عذابي.»

جبرئیل با من سخن گفت و گفت: خدا گوید لا إله إلا الله قلعه من است و هر که وارد آن شود از عذاب من در امان است.

حدثوا الناس بما يعرفون أ تريدون أن يكذب الله و رسوله؟

با مردم از آنچه توانند دانست سخن گوئید آیا میخواهید خدا و پیغمبر را تکذیب کنند.

حرمت النار على عين بكت من خشية الله و حرمت النار على عين سهرت في سبيل الله و حرمت النار على عين غضت عن محارم الله أو عين فقتت في سبيل الله.

جهنم بر دیده ای که از بیم خدا گریسته و دیده ای که در راه خدا بیدار مانده و دیده ای که از محرمات خدا بسته شده یا در راه خدا بیرون آمده حرام است.

حرم على عينين أن تنالهما النار: عين بكت من خشية الله و عين باتت تحرس الإسلام و أهله من الكفر.

دو چشم بر آتش حرام است چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که بیدار مانده و مسلمانان را در مقابل کافران نگهبانی کرده است.

حرم لباس الحرير و الذهب على ذكور أمتي و أحلّ لائهم.

پوشیدن ابریشم و طلا بر مردان امت من حرام و بر زنانشان حلال است.

حسبك من الجهل أن تظهر ما علمت.

در نادانی تو همین قدر بس که هر چه دانی آشکار کنی.

حسبك من الكذب أن تحدث بكل ما سمعت.

در دروغگوئی تو همین قدر بس که هر چه شنیده ای نقل کنی.

حسن البشر يذهب بالسَّخِيمَةَ.

گشاده روئی کینه را ببرد.

حسن الخلق نصف الدين.

نیک خوئی یک نیمه دین است.

الحرب خدعة.

جنگ یعنی خدعه.

الحجّ جهاد كلّ ضعيف و جهاد المرأة حسن التّبعل.

حج جهاد ضعیفان است و جهاد زن، شوهرداری خوب است.

الحكمة ضالة المؤمن يأخذها ممن سمعها و لا تبالي في أيّ وعاء خرجت.

حکمت گمشده مؤمن است از هر که بشنود فرا گیرد و اهمیت ندهد که از کجا آمده است.

الحلال بين و الحرام بين و بينهما أمور مشتهيات لا يعلمها كثير من الناس: فمن اتقى الشبهات فقد استبرأ لعرضه و دينه و من وقع في الشبهات وقع في الحرام كراع يرمى حول الحمى يوشك أن يواقعها ألا و إن لكلّ ملك حمى ألا و إن حمى الله تعالى في أرضه محارمه ألا و إن في الجسد مضغة إذا صلحت صلح الجسد كلّه و إذا فسدت فسد الجسد كلّه ألا و هي القلب.

حلال روشن است و حرام روشن است و میان آنها چیزهای شبهه ناک هست که بسیاری از مردم آن را ندانند، هر که از چیزهای شبهه ناک دوری گیرد دین و آبروی خود را از ارتکاب محرمات بر کنار داشته و هر که در چیزهای شبهه ناک افتد در حرام افتد مانند چوپانی که اطراف قرق گوسفند چراند بیم میرود که در قرق افتد. بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در زمین محرمات اوست بدانید که در تن پاره گوشتی است که اگر بصلاح آمد همه تن بصلاح آید و اگر بفساد آمد همه تن به فساد آید بدانید که او همین قلب است.

الحیاء و الإیمان مقرونان فی قرن واحد فإذا سلب أحدهما تبعه الآخر.

حیا و ایمان قرین یک دیگرند اگر یکی رفت دیگری نیز همراه آن میرود.

خذ الأمر بالتدبیر فإن رأیت فی عاقبتہ خیرا فأمض و إن خفت غیا فأمسک.

کار را بتدبیر بنگر اگر در سر انجام آن خیری هست قدم بگذار و اگر از عاقبت آن بیم داری دست نگهدار.

خمس بخمس ما نقض قوم العهد إلاً سلط علیهم عدوهم و ما حکموا بغیر ما أنزل الله إلاً فشا فیهم الفقر و لا ظهرت فیهم الفاحشة إلا فشا فیهم الموت و لا طففوا المکیال إلاً منعوا النبات و أخذوا بالسنین و لا منعوا الزکاة إلاً حبس عنهم القطر.

پنج چیز از لوازم پنج چیز است کسانی که پیمان شکنند دشمنشان بر آنها مسلط شود و کسانی که بر خلاف آنچه خدا گفته قضاوت کنند فقر میان آنها رواج یابد و کسانی که بی عفتی میان آنها رواج یابد مرگ ناگهانی میان آنها شایع شود و کسانی که کم فروشی پیشه کنند بقحط دچار شوند و کسانی که زکاء ندهند به خشکسالی مبتلا گردند.

خمس لیس لهنّ کفّارۀ: الشّرك بالله و قتل النّفس بغير حقّ و بهت المؤمن و الفرار من الزّحف و یمین صابرة یقتطع بها مالا بغير حقّ.

پنج گناهست که محوشدنی نیست، شریک قرار دادن برای خدا و کشتن کسان بناحق و بهتان زدن بمؤمن و فرار از جنگ و قسم ناحق که بوسیله آن مال کسان را ببرند.

خيارکم أحاسنکم أخلاقا الذّین یألفون و یؤلفون.

بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و کسان را با یک دیگر سازگاری دهند.

خشیة الله رأس کلّ حکمة و الورع سیّد العمل.

ترس خدا سر همه حکمتهاست و ورع پیشوای اعمال است.

خيار المؤمنین القانع و شرارهم الطّامع.

بهترین مؤمنان کسی است که قانعست و بدترین آنها کسی است که طمعکار است.

خيار أمتی من دعا إلى الله تعالی و حبّ عباده إليه.

بهترین امت من کسی است که مردم را بسوی خدا بخواند و بندگان خدا را دوستدار او سازد.

خیر النّاس أنفعهم للنّاس.

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

خیر کم من أعانه الله على نفسه فملكها.

بهترین شما کسی است که خداوند کمکش کرده و بر خویشتن تسلط یافته است.

خیر الأمور أوسطها.

بهترین کارها آنست که به اعتدال نزدیکتر است.

خیر الدنیا و الآخرة مع العلم و شرّ الدنیا و الآخرة مع الجهل.

نیکی دنیا و آخرت با دانش هم راهست و بدی دنیا و آخرت با نادانی قرین است.

خیر الذکر الخفی و خیر - الرزق ما یکفی.

بهترین ذکرها آنست که مخفی باشد و بهترین روزیها آنست که کافی باشد.

خیر الناس من انتفع به الناس.

بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند.

خیر النساء الولود الودود.

بهترین زنان زن مهربانی است که فرزند بسیار آورد.

خیر النکاح أيسره.

بهترین ازدواجها آنست که آسان تر انجام گیرد.

خیر إخوانکم من أهدى إلیکم عیوبکم.

بهترین برادران شما آنست که عیوبتان را بشما آشکارا بگوید.

خیر کم إسلاما أحاسنکم أخلاقا إذا فقهوا.

از میان شما اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیک تر است اگر در کار دین دانا باشند.

خیر کم خیر کم لأهله و أنا خیر کم لأهلی ما أكرم النساء إلا کریم و لا أهانهنّ إلا لئیم.

بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم، بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند.

خیر کم من تعلّم القرآن و علّمه.

بهترین شما کسی است که قرآن را را تعلیم گیرد و تعلیم دهد.

خیر ما یخلف الإنسان بعده ثلاث ولد صالح یدعو له و صدقه تجری یبلغه أجرها و علم ینتفع به من بعده.

بهترین چیزی که انسان پس از خود وامی گذارد سه چیز است فرزند پارسا که برای او دعا کند و صدقه جاری که پاداش آن بدو رسد و دانشی که پس از وی از آن بهره مند شوند.

خیرت بین الشفاعة و بین أن یدخل شطر أمتی الجنة فاخترت الشفاعة لأنها أعمّ و أكفی أ ترونها للمؤمنین المتّقین؟ لا و لكنّها للمذنبین المتلوّثین الخطّائین.

مرا مخیر ساختند که شفاعت کنم یا یک نیمه امتم ببهشت در آیند و من شفاعت را اختیار کردم زیرا دامنه آن وسیعتر و کفایت آن بیشتر است، تصور می کنید شفاعت برای مؤمنان پرهیزکار است؟ نه بلکه برای گنهکاران آلوده خطا کار است.

الخلق الحسن يذيب الخطايا كما يذيب الماء الجليد و الخلق السوء يفسد العمل كما يفسد الخلّ العسل.

خوی نیک گناهان را محو میکند چنان که آب یخ را ذوب میکند و خوی بد اعمال را فاسد میکند چنان که سرکه عسل را تباه میکند.

الخيانه تجرّ الفقر.

خیانت مایه فقر است.

جمال المرء فصاحة لسانه.

جمال مرد به فصاحت اوست.

الجنة مائة درجة ما بين كلّ درجتين كما بين السماء و الأرض.

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه مانند زمین و آسمان است.

دعاء الوالد لولده كدعاء- النبيّ لأُمَّته.

دعائی که پدر برای فرزند کند مانند دعائیست که پیغمبر برای امت خود میکند.

دعوا الدّنيا لأهلها، من أخذ من الدّنيا فوق ما يكفيه أخذ حتفه و هو لا يشعر.

دنیا را باهل آن واگذارید، هر که از دنیا بیش از حاجت خود فرا گیرد، هلاک خویش را گرفته و نمیداند.

دعوا الناس يرزق الله بعضهم ببعض.

بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد.

دين المرء عقله و من لا عقل له لا دين له.

دين مرد عقل اوست و هر که عقل ندارد دين ندارد.

الدعاء سلاح المؤمن.

دعا سلاح مؤمن است.

**الدنيا حلوة خضرة فمن أخذها بحقه بورك له فيها و ربّ متخوِّض فيما
اشتتهت نفسه ليس له يوم القيامة إلا النار.**

دنيا شیرین و دوست داشتنی است هر که از آن مطابق حق بهره گیرد بر او مبارکباد و بسا
کسان که در خواهشهای خود فرو روند و روز قیامت نصیبی جز آتش ندارند.

الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر.

دنيا زندان مؤمن است و بهشت کافر.

ذاکر الله في الغالين بمنزلة الصابر في الفارين.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چنانست که در میان فراریان جنگ ثابت ورزد.

ذّبوا عن أعراضكم بأموالكم.

با امواتان از آبرویتان دفاع کنید.

ذکر الله شفاء القلوب.

یاد کردن خدا شفای دلهاست.

خیر النساء الولود الودود.

بهترین زنان زن مهربانی است که فرزند بسیار آورد.

خیرکم من تعلّم القرآن و علّمه.

بهترین شما کسی است که قرآن را را تعلیم گیرد و تعلیم دهد.

دعوا الحسنة العاقرة و تزوجوا السوداء الولود فإني أكاثركم الأمم يوم القيمة.

زیبای عقیم را بگذارید و با سیاه بچه آور ازدواج کنید که من روز رستاخیز بفرزونی شما بر امت های دیگر تفاخر میکنم.

رأس الحكمة مخافة الله.

اساس حکمت ترس خداست.

رأس الحكمة معرفة الله.

اساس حکمت خداشناسی است.

رأس العقل بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس و اصطناع المعروف إلى كل برّ و فاجر.

اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم و نیکوکاری با نیک و بد است.

رأس العقل بعد الإيمان بالله التودد إلى الناس و ما يستغنى رجل عن مشورة و إن أهل المعروف في الدنيا هم أهل المعروف في الآخرة و إن أهل المنكر في الدنيا هم أهل المنكر في الآخرة.

اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم است هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست:
نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند.

الرَّجُلُ فِي ظِلِّ صَدَقَتِهِ حَتَّى يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ.

مرد در سایه صدقه خود بیاساید تا میان مردم قضاوت کنند

الرِّزْقُ أَشَدُّ طَلْبًا لِلْعَبْدِ مِنْ أَجَلِهِ.

روزی بیشتر از مرگ در جستجوی بنده است.

الرَّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تَكْثُرُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ وَالْبَطَانَةَ تَقْسِي الْقَلْبَ.

علاقه بدنی غم و اندوه را زیاد می کند و شکم پرستی دل را سخت میکند.

الرَّفْقُ رَأْسُ الْحِكْمَةِ.

مدارا اساس حکمت است.

سَافِرُوا تَصَحَّوْا وَتَعْنَمُوا.

سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید.

سَافِرُوا تَصَحَّوْا وَتَرْزُقُوا.

سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید.

سَتَكُونُ فِتْنٌ يَصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيَمْسِي كَافِرًا إِلَّا مِنْ أَحْيَاءِ اللَّهِ بِالْعِلْمِ.

فتنه ها خواهد بود که در اثنای آن مرد بصبح مؤمن باشد و بشب کافر شود مگر آنکه
خدایش به علم زنده دارد.

سلامة الرجل من الفتنة أن يلزم بيته.

مرد که در خانه خویش بماند از فتنه سالم ماند.

سوء الخلق يفسد العمل كما يفسد الخلّ العسل.

بدخوئی عمل را بفساد آرد چنان که سرکه عسل را فاسد کند.

السّخّيّ إنّما وجود بحسن الظنّ بالله و البخیل إنّما يبخل بسوء الظنّ بالله.

سخاوتمند بسبب خوشگمانی بخدا سخاوت میکند و بخیل بعلت بدگمانی بخدا بخل میورزد.

السّخّيّ الجهول أحبّ إلى الله من العالم البخیل.

سخاوتمند نادان نزد خدا از دانشمند بخیل محبوبتر است.

السّرّ أفضل من العلانیة و العلانیة أفضل لمن أراد الاقتداء.

عمل نهان بهتر از عمل عیان است اما عمل عیان برای آنکه خواهد سرمشق کسان شود بهتر است.

السّلطان العادل ظلّ الله في الأرض فمن أكرمه أكرمه الله و من أهانه أهانه الله.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است هر که وی را گرامی دارد خدایش گرامی دارد و هر که وی را خوار کند خدایش خوار کند.

السّماح رباح و العسر شؤم.

سهل انگاری مایه سود ، است و سختگیری شوم است

السلطان العادل ظلّ الله في الأرض فإذا دخل أحدكم بلدا ليس به سلطان عادل فلا يقيمّن به.

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است اگر یکی از شما بشهری در آید که سلطان عادل در آن نیست در آنجا اقامت نکند.

الشّباب شعبة من الجنون.

جوانی شعبه ای از دیوانگی است.

شرف المؤمن قیامه باللیل و عزّه استغناؤه عن النّاس.

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است.

شّان ما بین عملین عمل تذهب لذّته و تبقى تبعته و عمل تذهب مؤنّته و تبقى أجره.

میان دو عمل بسیار فرق است عملی که لذت آن برود و عواقب آن بماند و عملی که زحمت آن برود و پاداش آن بماند.

شرّ النّاس من يبغض النّاس و يبغضونه.

بدترین مردم آن کس است که مردم را دشمن دارد و او را دشمن دارند.

شَرَّ النَّاسِ مِنْ أَكْرَمِهِ النَّاسِ اتِّقَاءَ شَرِّهِ.

بدترین مردم آن کس است که مردم از بیم شرش گرامیش دارند.

شَرَّ النَّاسِ مَنْ اتَّهَمَ اللَّهَ فِي قِضَائِهِ.

بدترین مردم آن کس است که خدا را در قضایش متهم کند.

شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي.

شفاعت من خاص اهل کبائر از امت من است.

الشَّرْكُ أَخْفَى فِي أُمَّتِي مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ وَ أَدْنَاهُ
أَنْ تَحِبَّ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْجَوْرِ أَوْ تَبْغُضَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْعَدْلِ وَ هَلِ الدِّينُ
إِلَّا الْحَبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبَغْضُ فِي اللَّهِ؟ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ.

شُرک در امت من از گذر کردن مور بر کوه صفا در شب تاریک نهاتر است و نزدیکتر از همه آنست که چیزی از ستم را دوست داری یا چیزی از عدل را دشمن داری مگر دین جز دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست؟ خدای والا گوید: بگو اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی کنید تا خدا دوستتان دارد.

الشَّيْخُ شَابٌّ فِي حُبِّ اثْنَتَيْنِ فِي حُبِّ طَوْلِ الْحَيَاءِ وَ كَثْرَةِ الْمَالِ.

پیر در محبت دو چیز جوان است محبت زندگی دراز و فراوانی مال.

الشَّيْخُ يَضَعُ جِسْمَهُ وَ قَلْبَهُ شَابًّا عَلَى حُبِّ اثْنَتَيْنِ طَوْلِ الْحَيَاءِ وَ حُبِّ الْمَالِ.

تن پیر ناتوان می شود و دل وی بر محبت دو چیز جوان است: عمر دراز و محبت مال.

صلة الرّحم و حسن الخلق و حسن الجوار يعمران الدّيار و يزدن في الأعمار.

پیوند خویشان و نیکخوئی و خوش همسایگی شهرها را آباد کند و عمرها را فزونی دهد.

صلة الرّحم تزيد في العمر و تدفع ميتة السّوء.

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند.

الصّلاة میزان فمن أوفى استوفى.

نماز چون ترازوست هر که کامل کند پاداش کامل یابد.

صوموا تصحّوا.

روزه دارید تا تندرست شوید.

صنّفان من النّاس إذا صلحوا صلح النّاس و إذا فسدوا فسد النّاس العلماء و الامراء.

دو گروه از مردمند که اگر صالح بودند مردم بصلاح آیند و اگر فاسد بودند بفساد گرایند دانشوران و زمامداران.

الصّبحة تمنع الرّزق.

خواب صبحگاهان مانع روزی است.

الصّدقة تمنع ميتة السّوء.

صدقه مانع مرگ بد می شود.

الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ.

نماز ستون دین است.

الصَّلَاةُ قَرْبَانٌ كُلُّ تَقَى.

نماز قربانی پرهیزگارانست.

الصَّوْمُ أَرْفَعُ الْعِبَادَةَ.

خاموشی والاترین عبادتهاست.

الصَّوْمُ زِينٌ لِلْعَالِمِ وَ سِتْرٌ لِلْجَاهِلِ.

خاموشی زینت دانا و پرده نادانست.

الصِّيَامُ جَنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرُقْهَا بِكَذِبٍ أَوْ غِيْبَةٍ.

روزه سپری است مادام که آن را بدروغ یا غیبت ندرد.

صَالَةُ الْمُؤْمِنِ الْعِلْمُ كُلَّمَا قَيَّدَ حَدِيثًا طَلَبَ إِلَيْهِ آخِرَ.

گم شده مؤمن علم است هر دم حدیثی فرا گیرد حدیثی دیگر مطلوب او شود.

طَالِبُ الْعِلْمِ بَيْنَ الْجَهْلِ كَالْحَىِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ.

جویای علم میان جاهلان چون زنده میان مردگانست.

طَالِبُ الْعِلْمِ لِلَّهِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل الله بهتر است.

طلب العلم فريضة على كل مسلم و أن طالب العلم يستغفر له كل شيء حتى الحيتان في البحر.

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز، حتی ماهیان دریا برای جویای علم
آمزش میطلبند

طلب العلم أفضل عند الله من الصلاة و الصيام و الحج و الجهاد في سبيل الله عز و جل.

جستن علم نزد خدا از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا عز و جل بهتر است.

طلب العلم فريضة على كل مسلم و مسلمة.

جستن علم بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجبست.

طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس.

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد.

الظلم ثلاثة: فظلم لا يغفره الله و ظلم يغفره و ظلم لا يتركه، فأما الظلم الذى لا يغفره الله فالشرك قال الله: «إن الشرك لظلم عظيم»، و أما الظلم الذى يغفره الله فظلم العباد أنفسهم فيما بينهم و بين ربهم و أما الظلم الذى لا يتركه الله فظلم العباد بعضهم بعضا.

ظلم سه قسم است، ظلمی هست که خدایش نمی آمرزد و ظلمی هست که می آمرزدش و ظلمی هست که از آن نمیگذرد اما ظلمی که خدا نمی آمرزد شرکست خدا گوید: «حقا که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می آمرزد ستم بندگان بخودشان میان خود و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمیگذرد ظلم بندگان بیکدیگر است.

عالم یتنفع بعلمه خیر من ألف عابد.

دانشمندی که از علم او سود برند از هزار عابد بهتر است.

علم لا یقال به ککنز لا ینفق منه.

علمی که ظاهر نکنند چون گنجی است که از آن خرج نکنند.

عمی القلب الضلالة بعد الهدی

کوری دل گمراهی پس از هدایتست.

عجبت لغافل و لا یغفل عنه عجبت لمؤمل دنیا و الموت یطلبه و عجبت لضاحک ملاً فمه و لا یدری أرضی الله عنه أم أسخطه.

عجب دارم از غافلی که از او غافل نشوند و عجب دارم از آرزومند دنیا که مرگ در طلب اوست و عجب دارم از آنکه از ته دل بخندد و نداند که آیا خدا از او خشنود است یا خشمگین.

عجبا للمؤمن فو الله لا یقضی الله للمؤمن قضاء إلا کان خیرا له.

کار مؤمن عجیب است بخدا که خدا قضائی برای مؤمن مقرر ندارد مگر مایه خیر او باشد.

عدل ساعة خیر من عبادة سنة.

یک ساعت عدالت از یک سال عبادت بهتر است.

عرامة الصبی فی صغره زیادة فی عقله فی کبره.

سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است.

عظم الأجر عند المصيبة و إذا أحبّ الله قوما ابتلاهم.

مصیبت را پاداش بزرگ دهند و چون خدا گروهی را دوست دارد مبتلایشان کند.

عَفَّوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفُّوا نِسَاؤَكُمْ وَ بَرَّوْا آبَاءَكُمْ تَبَرُّكُمْ أَبْنَاؤَكُمْ وَ مَنْ أْتَاهُ
أَخُوهُ مُتَنَصِّلاً فَلْيَقْبَلْ ذَلِكَ مُحَقَّقاً كَانْ أَوْ مُبْطِلاً، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ لَمْ يَرِدْ عَلَيَّ
الْحَوْضِ.

نسبت بزنان مردم عفت کنید تا زنانتان عقیف بمانند با پدران خویش نیکی کنید تا
فرزندانتان با شما نیکی کنند هر کس برادرش بعذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را
حق باشد یا باطل بپذیرد و اگر نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید.

علامة حبّ الله تعالى حبّ ذكر الله و علامة بغض الله بغض ذكر الله عزّ و
جلّ.

نشان محبت خدا علاقه به ذکر خداست و نشان دشمنی خدا بیعلاقگی بذكر خدای عز و
جل است.

علم لا ینفع ککنز لا ینفق منه و علی کلّ شیء زکاء و زکاء الجسد الصّیام

علمی که سود ندهد چون گنجی است که از آن خرج نکنند و هر چیزی زکاتی دارد و
زکات تن روزه داشتن است.

علّموا بنیکم الرّمی فإنّه نکایة العدو.

فرزندان خویش را تیر اندازی آموزید که سر شکستگی دشمن است.

علیک بالعلم فإنّ العلم خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل دلیله و العمل
قیّمه و الرّفق أبوه و اللّین أخوه و الصّبر أمیر جنوده.

علم جوئید که علم یار مؤمن است و بردباری وزیر اوست و عقل دلیل اوست و عمل سرپرست اوست و ملایمت پدر اوست و مدارا برادر اوست و صبر امیر سپاهیان اوست.

عليك بالسجود فإنك لا تسجد لله سجدة إلا رفعك الله بها درجة و حطّ عنك بها خطيئة.

از سجده غافل مشو که هر سجده ای برای خدا کنی خداوند یکدرجه ترا بالا برد و گناهی از تو محو کند.

عليكم بالحزن فإنه مصباح القلب أجمعوا أنفسكم و اظمئوها.

با غم خو کنید که چراغ دل است خویشتن را گرسنه و تشنه دارید.

عليكم بالقرآن، فاتخذوه إماما و قائدا فإنه كلام رب العالمين الذي هو منه و إليه يعود، فآمنوا بمتشابهه و اعتبروا بأمثاله.

با قرآن مانوس شوید و آن را پیشوا و رهبر خویش گیرید که قرآن گفتار خدای جهانیانست که از اوست و بسوی او باز می‌رود بمتشابه آن ایمان داشته باشید و از مثل های آن عبرت گیرید.

عليكم بالقناعة فإن القناعة مال لا ينفد.

به قناعت خو کنید زیرا قناعت مالی است که تمام شدنی نیست.

عليكم بقلّة الكلام و لا يستهوينكم الشيطان.

سخن کمتر گوئید و شیطان مجذوبتان نکند.

عليكم من الأعمال بما تطيقون فإن الله لا يملّ حتى تملّوا.

عبادت بقدر طاقت خود کنید که خدا ملول نشود تا شما ملول شوید.

علم لا ينفع كنز لا ينفق منه.

علمی که سود ندهد گنجی است که از آن انفاق نکنند.

عليك باليأس ممّا في أيدي الناس.

از آنچه در دست مردمست نومید باش

عليك بالرفق فإن الرفق لم يكن في شيء قط إلا زانه و لا نزع من شيء قط إلا شانه.

مدارا کن که مدارا در چیزی باشد آن را زینت دهد و در هر چه نباشد آن را خوار کند.

عوّدوا قلوبكم التّرقّب و أكثروا التّفكّر.

دل‌های خویش را بمراقبت عادت دهید و اندیشه بسیار کنید.

عينان لا يمسهما النار أبدا: عين بكت من خشية الله و عين باتت تحرس في سبيل الله.

دو چشم است که هرگز آتش بدان نرسد. چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را بحراست در راه خدا بسر برده.

العالم أمين الله في الأرض.

دانشمند امین خدا در زمین است.

العبد مع من أحبّ.

هر کسی همسنگ چیزی است که دوست دارد

العدّة دين، ويل لمن وعد ثمّ أخلف! ويل لمن وعد ثمّ أخلف! ويل لمن وعد ثمّ أخلف.

وعده دادن چون دین بگردن گرفتن است، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند.

العقل آلف مألوف.

عقل الفت گیر است و الفت پذیر.

العلماء أمناء الله على خلقه.

دانشوران امینان خدا بر خلق اویند.

العلم خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل دلیله و العمل قائده و الرفق والده و البرّ أخوه و الصبر أمير جنوده.

علم دوست مؤمن و بردباری وزیر او و عقل رهبر او و عمل سردار او و ملایمت پدر او و نیکی برادر او و صبر امیر سپاه اوست.

العلم میراثی و میراث الأنبياء من قبلی.

علم میراث من و میراث پیغمبران پیش از منست.

العلم خزائن و مفتاحها السّؤال فسلوا یرحمکم الله فإنّه یوجر فیہ أربعة: السائل و المعلّم و المستمع و المحبّ لهم.

علم گنجینه هاست و کلید آن پرسش است پرسید تا خدا بر شما رحمت آرد که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می دهد پرسنده و آموزگار و شنونده و کسی که دوستدار ایشانست.

العلم علمان: فعلم فی القلب فذلک العلم النافع، و علم علی اللسان فذلک حجّة الله علی ابن آدم.

علم دو علم است علمی که در قلب است و علم نافع همین است و علمی است که بر زبانست و او حجت خدا بر فرزند آدمست.

غفر لامرأة مومسة مرّت بکلب علی رأس رکیّ یلهث کاد یقتله العطش فنزعت خفها فأوثقته بخمارها فنزعت له من الماء فغفر لها بذلک.

زن روسبی ای آمرزیده شد که بر سگی گذشت که بر لب چاهی از تشنگی نزدیک بمرگ بود، کفش خویش بکند و بسر پوش خویش بست و برای سگ آب بر آورد، برای همین آمرزیده شد.

غیروا الشّیب و لا تشبهوا بالیهود.

موی سپید را رنگ کنید و چون یهودان مشوید.

فاعل الخیر خیر منه و فاعل الشرّ شرّ منه.

عامل خیر از خیر بهتر و عامل شر از شر بدتر است.

فقیه واحد أشدّ على الشيطان من ألف عابد.

تحمل يك فقيه برای شیطان از هزار عابد سخت تر است.

فكرة ساعة خير من عبادة ستين سنة.

ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردنست.

الفاجر الراجي لرحمة الله تعالى أقرب منها من العابد المقنط.

بد کاری که برحمت خدای والا امید دارد از عابد مأیوس، بخدا نزدیکتر است.

قال الله تعالى: من لم يرض بقضائي و لم يصبر على بلائي فليتمس ربّا سواي.

خدای والا فرماید: هر که بقضای من رضا ندهد و بر بلائی من صبر نکند خدائی جز من جوید.

قال الله تعالى: الكبرياء ردائي فمن نازعني ردائي قصمته.

خدای والا فرماید کبریا ردای من است و هر که مدعی ردای من شود درهمش شکنم.

قال الله تعالى: إذا وجهت إلى عبد من عبدي مصيبة في بدنه أو في ولده أو في ماله فاستقبله بصبر جميل استحيت يوم القيامة أن أنصب له ميزانا أو أنشر له ديوانا.

خدای والا فرماید وقتی مصیبت تن یا فرزند یا مال، متوجه یکی از بندگان خویش کنم و او با صبر نیکو مصیبت را استقبال کند روز قیامت شرم دارم که میزانی برای او نصب کنم یا دفتری برای او پهن کنم.

قال الله تعالى أنا عند ظنّ عبدی بی إن ظنّ خیراً فله و إن ظنّ شراً فله.

خدای والا فرماید من با گمان بنده ام که بمن دارد قرینم. اگر نیکو گمان کند نیکی یابد و اگر بد گمان برد بد بیند.

قال الله تعالى من علم أنّی ذو قدره علی مغفرة الذنوب غفرت له و لا أبالی ما لم یشرك لی شیئاً.

خدای والا فرماید هر که یقین دارد که من قدرت آمرزش گناهان دارم بیمارزمش و مادام که چیزی را با من شریک نیارد مهم نیست.

قال الله تعالى: و عزّتی و جلالی لا أجمع لعبدی أمنین و لا خوفین ان هو أمنی فی الدنیا أخفته یوم أجمع عبادی و إن هو خافنی فی الدنیا أمتته یوم أجمع عبادی.

خدای والا فرماید بعزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم اگر در دنیا از من ایمن است در روزی که بندگانم را فراهم کنم او را بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد روزی که بندگانم را فراهم کنم ایمنش کنم.

قال الله تعالى یا ابن آدم ثلاثة: واحدة لی و واحدة لك و واحدة بینی و بینك فأما الّتی لی فتعبدنی لا تشرك بی شیئاً، و أما الّتی لك فما عملت من عمل جزیتك به فإن أغفر فأنا الغفور الرّحیم و أما الّتی بینی و بینك فعلیك الدّعاء و المسألة و علی الاستجابة و العطاء.

خدای والا فرماید ای فرزند آدم سه چیز هست یکی خاص من، یکی خاص تو، و یکی میان من و تو. اما آنکه خاص من است آنکه مرا بپرستی و چیزی را با من انباز نکنی اما آنچه خاص تو است هر چه عمل کنی سزای تو دهم و اگر بیمارزم من آمرزگار رحیمم اما آنچه میان من و تو است از تو دعا کردن و خواستن و از من اجابت و عطا کردن.

القلب ملک و له جنود فإذا صلح الملك صلحت جنوده و إذا فسد الملك فسدت جنوده.

دل پادشاهی است که سپاهیان دارد و چون شاه بصلاح آید سپاهیانش بصلاح گرایند و چون شاه فاسد شود سپاهیانش فاسد شوند.

قال الله تعالى: أنا أغنى الشركاء عن الشرك و من عمل عملاً أشرك فيه معي غيري تركته و شرکه.

خدای والا فرماید من از همه شریکان از شریک بی نیازترم و هر که غیر مرا با من در عبادت خود شریک کند وی را با شرکش رها کنم.

قال الله تعالى: أحب ما تعبدني به عبدی النصح لی.

خدای والا فرماید محبوبترین عبادتی که بنده برای من تواند کرد خلوص است.

قلب ليس فيه شيء من الحكمة كبيت خرب فتعلموا و علموا و تفقهوا و لا تموتوا جهالا فإن الله لا يعذر على الجهل.

دلی که نشانی از خرد در آن نباشد چون خانه خراب است پس تعلیم گیرید و تعلیم دهید و فقه آموزید و بر جهل نمیرید که خدا از جهل نمیگذرد.

قليل العمل ينفع مع العلم و كثير العمل لا ينفع مع الجهل.

عمل اندک با علم سودمند افتد و عمل بسیار با جهل سود ندهد.

قوام المرء عقله و لا دين لمن لا عقل له.

اعتبار مرد بعقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد.

قوا بأموالکم عن أعراضکم.

آبرویتان را بوسیله اموالتان حفظ کنید

قیّدوا العلم بالکتاب.

علم را بنوشتن در بند کنید.

قیّدها و توکل.

شتر ببند و توکل کن.

القرآن غنی لا فقر بعده و لا غنی دونه.

قرآن غنائیست که پس از آن فقری نیست و غنائی جز آن نیست.

کاد الفقر أن یكون کفرا.

بیم آنست که فقر بکفر انجامد.

کاد الحلیم أن یكون نبیا.

نزدیک بود که شخص بردبار پیامبر شود.

کبر مقتا عند الله الأکل من غیر جوع و النوم من غیر سهر و الضحک من غیر
عجب

خوردن بی گرسنگی و خواب بدون خستگی و خنده بی شگفت نزد خدا بسختی منفور
است.

كان على الطريق غصن شجرة يؤذى الناس فأماطها رجل فادخل الجنة.

شاخه درختی در راه بود که مردم را آزار می داد مردی آن را دور کرد و بیبهشتش بردند.

كثره الضحك تميت القلب.

خنده بسیار دل را بمیراند.

كفى بالدهر واعظا و بالموت مفرقا.

چه آموزگار یست روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ.

كل علم وبال يوم القيامة إلا من عمل به.

همه علم ها روز قیامت وبال است مگر علمی که بدان عمل کنند.

كل نفس تحشر على هواها، فمن هوى الكفرة فهو مع الكفرة و لا ينفعه عمله شيئا.

هر کسی را با دل بستگیش محشور کنند، هر که بکافران دل بسته باشد با کافران است و عملش سودش ندهد.

كن في الدنيا كأنك غريب أو عابر سبيل وعد نفسك من أصحاب القبور.

در دنیا چنان باش که گوئی غریبی یا رهگذر و خویشتن را از اهل قبور شمار.

كفى بالمرء علما أن يخشى الله و كفى بالمرء جهلا أن يعجب بنفسه.

در علم مرد همین بس که از خدا ترسد و جهل مرد همین بس که مفتون خویش باشد.

كفى بالمرء كذبا أن يحدث لكل ما سمع.

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید.

كفى بالموت مژهدا فى الدنيا و مرغبا فى الآخرة.

چه وسیله ای است مرگ برای بی رغبتی دنیا و رغبت با آخرت.

كلّ خلة يطبع عليها المؤمن إّلا الخيانة و الكذب.

مؤمن هر صفتی تواند داشت مگر خیانت و دروغ.

كلّ ما هو آت قريب.

هر چه آمد نیست نزدیک است.

كلّمكم راع و كلّمكم مسؤل عن رعيتهم.

همه شما رعایتگرید و همتان در باره رعیت خویش مسئولید.

كما تكونوا يوتى عليكم.

چنان که هستید بر شما حکومت کنند.

كلوا جميعا و لا تفرّقوا فإنّ طعام الواحد يكفى الأثنين و طعام الأثنين يكفى الثلاثة و الأربعة كلوا جميعا و لا تفرّقوا فإنّ البركة مع الجماعة.

با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که غذای یکی برای دو تن کافی است و غذای دو تن برای سه تن و چهار تن کافی است، با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که برکت قرین جماعت است.

كلوا الزيت و أدهنوا به فإنه من شجرة مباركة.

زیتون خورید و با آن روغن کاری کنید که از درخت مبارک است.

كونوا في الدنيا أضيافا، و اتخذوا المساجد بيوتا، عودوا قلوبكم الرقة و أكثروا
التفكر و البكاء و لا تختلفن بكم الأهواء تبنون ما لا تسكنون و تجمعون ما لا
تأكلون و تأملون ما لا تدركون.

در دنیا چون میهمانان باشید و مسجدها را خانه کنید دلها را برقت عادت دهید و اندیشه و
گریه بسیار کنید و هوسها شما را از راه نبرد بناها می سازید که در آن ساکن نمی شوید و
چیزها فراهم می کنید که نمی خورید و امیدها دارید که بدان نمی رسید.

الكلمة الحکمة ضالة المؤمن فحيث وجدها فهو أحق بها.

سخن حکمت آمیز گمشده مؤمن است و هر کجا بیابدش بدان شایسته تر است.

لأننا أشدّ عليكم خوفا من النعم منّي من الذنوب ألا أن النعم التي لا تشكر هي
الحثف القاضي.

من در باره شما از نعمتها بیشتر از گناهان بیمناکم بدانید که نعمت هائی که شکر آن
نگزارند هلاک قطعی است.

لأننا من فتنة السراء أخوف عليكم من فتنة الضراء، إتكّم ابتليتكم بفتنة الضراء
فصبرتم و إنّ الدنيا حلوة خضرة.

من در باره شما از فتنه گشایش بیش از فتنه تنگ دستی بیم دارم شما بفتنه تنگدستی مبتلا
شدید و صبر کردید حقا که دنیا شیرین و دلفریب است.

**لأن أكون في شدة أتوقع بعدها رياء أحب إليّ من أن أكون في رياء
أتوقع بعده شدة.**

این که در سختی باشم و از پی آن امید و آسایش داشته باشم پیش من محبوب تر است تا در آسایشی باشم که از پی آن منتظر سختی باشم.

**لأن يأخذ أحدكم حبله ثمَّ يغدوا إلى الجبل فيحتطب فيبيع فيأكل و يتصدّق
خير له من أن يسأل الناس.**

اینکه یکی از شما ریسمان خویش بر گیرد و بکوه رود و هیزم فراهم آرد و بفروشد و بخورد و صدقه کند برای وی بهتر است که از مردم بخواهد.

لأن يتصدّق المرء في حياته بدرهم خير له من أن يتصدّق بمائة عند موته.

اینکه مردی در زندگی خویش درهمی صدقه کند برای وی بهتر است تا صد درهم هنگام مرگش صدقه کند.

لكلّ شيء طريق و طريق الجنّة العلم.

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است.

لكلّ شيء عماد و عماد هذا الدّين الفقه.

هر چیزی را ستونی هست و ستون این دین دانائی است.

**لو أن رجلا يجرّ على وجهه من يوم ولد إلى يوم يموت هرما في مرضاء الله
تعالی لحقره يوم القيامة.**

اگر کسی از روزی که زاده تا روزی که پیر بمیرد بجلب رضای خدا بر چهره خویش

لو تعلمون قدر رحمة الله لا تكلمن عليها.

اگر از وسعت رحمت خدا خبر داشتید بر آن اعتماد می‌کردید.

لو تعلمون ما أعلم لضحكتم قليلا و لبكيتم كثيرا.

اگر آنچه من دانسته‌ام بدانید خنده کم و گریه بسیار می‌کنید.

ليس الإيمان بالتّمنى لكن هو ما وفر في القلب و صدقه العمل.

ایمان داشتن به آرزو کردن نیست بلکه ایمان آنست که در قلب جای دارد و عمل آن را تصدیق کند.

ليس المؤمن الذي يشبع و جاره جائع إلى جنبه.

هر که سیر باشد و همسایه اش پهلوی وی گرسنه باشد مؤمن نیست.

ليس المؤمن بالطّان و لا اللّعان و لا الفاحش و لا البذی ء

مؤمن طعنه زن و لعنتگر و بد گو و بد زبان نیست.

لا تجتمع خصلتان في مؤمن: البخل و الكذب.

دو صفت در مؤمن فراهم نشود بخل و دروغ.

لا تعجبوا بعمل عامل حتى تنظروا بهم يختم له.

از کار هیچ کس شگفتی مکنید تا بنگرید عاقبت آن چه می شود

لا تقوم الساعة حتى يكون الزهد و الورع تصنعا.

قیامت پیا نشود تا وقتی که زهد و تقوی ساختگی باشد.

لا تكثر همك ما قدر يكن و ما ترزق يأتك.

غم بسیار مخور که آنچه مقدر است می شود و آنچه روزیت کرده اند بتو می رسد.

لا تميتوا القلوب بكثرة الطعام و الشراب فإن القلب يموت كالزرع إذا كثر عليه الماء.

دل‌های خویش را بکثرت خوردن و نوشیدن نمی رانید که دل چون زراعت است وقتی آب آن زیاد شد خواهد مرد.

لا عقل كالتدبير و لا ورع كالكف و لا حسب كحسن الخلق.

عقلی مانند تدبیر نیست و تقوائی چون خویشتن داری نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست.

لا ندم من استشار و لا افتقر من اقتصد.

هر که مشورت کند پشیمان نشود و هر که میانه روی کند فقیر نگردد.

لا يتمنين أحدكم الموت لضر نزل به.

هیچ کس نباید از مشقتی که بدو رسیده آرزوی مرگ کند.

لا يشبع عالم من علمه حتى يكون منتهاه الجنة.

عالم از علم خویش سیر نگردد تا سرانجام بهشت رسد.

لا یفتک مؤمن.

مؤمن بکمین خون کس نریزد.

لا یفلح قوم تملکهم امرأه.

گروهی که زمامدارشان زن است رستگاری نه بینند.

لا ینبغی لذی الوجهین أن یکون أمینا عند الله.

دو رو نزد خدا مورد اعتماد نیست.

لا ینبغی لمؤمن أن یدلّ نفسه.

شایسته مؤمن نیست که خویشتن را خوار کند.

لا یهلك الناس حتی یعذروا من أنفسهم.

مردم هلاک نمی شوند مگر وقتی که حجت بر ایشان تمام شود.

لتملأنّ الأرض جوراً و ظلماً فإذا ملئت یبعث الله رجلاً منی اسمه اسمی و اسم أبیه اسم أبی فیملؤها عدلاً و قسطاً کما ملئت جوراً و ظلماً.

زمین از جور و ظلم پر می شود و چون پر شد خدا مردی را که اسم وی اسم منست و اسم پدرش اسم پدر منست برانگیزد تا آن را از عدل و انصاف پر کند چنان که از جور و ظلم پر شده است.

لتملأنّ الأرض ظلماً و عدواناً ثمّ ليخرجنّ رجل من أهل بيتي حتّى يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً.

زمین از جور و تعدی پر می شود آنگاه مردی از خاندان من بیرون آید تا آن را از انصاف و عدل پر کند چنان که از ظلم و تعدی پر شده است.

لقد بارك الله لرجل في حاجة أكثر الدعاء فيها أعطيها أو منعها.

خدا حاجتی را که مرد در باره آن بسیار دعا کند روا بشود یا نشود، مبارک کرده است.

لكلّ داء دواء و دواء الذّنوب الاستغفار.

هر دردی را دوائیست و دوی گناهان آمرزش خواستن است.

لكلّ شیء آفة تفسده و آفة هذا الدّین و لاة السّوء.

هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می شود و آفت این دین زمامداران بدند.

لكلّ شیء حلیة و حلیة القرآن الصّوت الحسن.

هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صوت خوش است.

لكلّ شیء زکاة و زکاة الجسد الصّوم.

هر چیزی را زکاتی هست و زکات تن روزه داشتن است.

لكلّ شیء مفتاح و مفتاح السّموات قول «لا إله إلاّ الله».

هر چیزی را کلیدی هست و کلید آسمانها گفتار «لا اله الا الله» است.

لکلّ غادر لواء يوم القيامة يعرف به.

هر خیانتکاری روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته شود.

للمنافق ثلاث علامات: إذا حدّث كذب، و إذا وعد أخلف، و إذا اتّمن خان.

منافق سه نشان دارد وقتی سخن کند دروغ گوید و چون وعده دهد تخلف کند و چون امینش شمارند خیانت کند.

لم يبعث الله تعالى نبيا إلّا بلغه قومه.

خدا هیچ پیغمبری را جز به زبان قومش نفرستاد.

لم يكذب من نبي بين اثنين ليصلح.

هر کس میان دو تن سخنی گوید که اصلاحشان دهد دروغ نگفته

لن يهلك امرؤ بعد مشورة.

هیچ کس از پس مشورت هلاک نشود.

لن يهلك الناس حتى يعذروا من أنفسهم.

مردم هلاک نمیشوند تا حجت بر ایشان تمام شود.

لو أنّ الماء الذي يكون منه الولد أهرقته على صخرة لأخرج الله تعالى منها ولداً و ليخلقنّ الله تعالى نفساً هو خالقها.

اگر آبی را که باید فرزند شود بر سنگی بریزی خدای والا فرزندی از آن بیرون خواهد آورد خدا کسی را که باید خلق کند خلق میکند.

لو أن ابن آدم هرب من رزقه كما يهرب من الموت لأدرکه رزقه كما یدرکه الموت.

اگر آدمیزاد از روزی خویش بگریزد چنان که از مرگ میگریزد روزیش بدو رسد چنان که مرگ میرسد

لو أن أحدکم يعمل فی صخره صماء لیس لها باب و لا کوه لخرج عمله للناس کائنا ما کان.

اگر یکی‌تان در دل سنگ سخت کاری کند که نه در داشته باشد و نه روزن کار وی هر چه باشد میان مردم شایع شود.

لو أن أهل السماء و الأرض أشركوا فی ذمّ مؤمن لکتبهم الله عزّ و جلّ فی النار.

اگر مردم آسمان و زمین در مذمت مؤمنی شرکت کنند خدای عز و جل در آتش واژگونشان کند.

لو أن دلوًا من غساق یهراق فی الدّیا لأنتن أهل الدّیا.

اگر دلولی از آشامیدنی جهنم را در دنیا بریزند اهل دنیا را متعفن کند.

لو أن رجلا فی حجره دراهم یقسمها و آخر یذکر الله کان الذاکر لله أفضل.

اگر کسی درهم و دینار باشد که تقسیم کند و دیگری خدا را یاد کند خدا بهتر است.

لو بغی جبل علی جبل لدک الله الباغی منهما.

اگر کوهی بکوهی تجاوز کند خدا کوه متجاوز را درهم کوبد.

**لو أنکم توکلون علی الله تعالی حقّ توکلہ لرزقکم کما یرزق الطّیر، تعدو
خماصا و تروح بظانا.**

اگر شما چنان که شایسته توکل کردنت بخدا توکل داشتید، روزی شما را نیز چون
روزی مرغان میرساند که بصبح گرسنه اند و شب سیر.

**لو أن لابن آدم وادین من ذهب لابتغی الیهما وادیا ثالثا و لا یملاً جوف ابن
آدم إلا التراب و یتوب الله علی من تاب.**

آدمیزاد اگر دو دره از طلا داشته باشد بعلاوه آن دره سوم طلب کند شکم آدمیزاد را جز
خاک پر نکند و هر که توبه کند خدا توبه او را بپذیرد.

**لو تعلمون ما أعلم لبکیتم کثیرا و لضحکتکم قلیلا و لخرجتکم إلی الصّدات
تجأرون إلی الله تعالی لا تدرّون تنجون أو لا تنجون.**

اگر آنچه من دانسته ام بدانید گریه بسیار و خنده کم میکنید و بر بلندیاها رفته تضرع پیشگاه
خدا میبرید و بیمناک خواهید بود که آیا نجات خواهید یافت یا نه.

لو تعلمون ما ادّخر لکم ما حزنتم علی ما زوی عنکم.

(ای فقیران) اگر بدانید چه چیزها برای شما ذخیره شده بر آنچه ندارید غم نخواهید خورد.

لو کان الإیمان بالثّریّا لتناولہ رجال من فارس.

اگر ایمان در ثریا بود مردانی از فارس بدان می رسیدند.

**لو قيل لأهل النار إنكم ما كثون في النار عدد كل حصاة في الدنيا لفرحوا بها
و لو قيل لأهل الجنة إنكم ما كثون عدد كل حصاة لحزنوا و لكن جعل لهم
الأبد.**

اگر به جهنمیان گویند که شماره ریگهای دنیا در جهنم خواهید ماند خوش حال شوند و
اگر بهشتیان گویند که بشماره ریگها خواهید ماند غمگین شوند ولی آنها را جاودانی
کرده اند.

لو نهى الناس عن فتّ البعرة فتّوا و قالوا ما نهينا عنه إلّا و فيه شيء.

اگر مردم را از شکستن پشکل شتر منع کنند آن را بشکنند و گویند ما را از این کار منع
نکرده اند مگر که در آن چیزی هست.

لو لا الأمل ما أَرْضعت أمّ ولدا و لا غرس غارس شجرا.

اگر امید نبود مادری فرزندی نمیزاد و کسی درختی نمینشاند.

ليس الأعمى من يعمى بصره إنّما الأعمى من تعمى بصيرته.

کور آن نیست که چشم او کور است بلکه کور آنست که بصیرتش کور است.

**ليس أحد منكم بأكسب من أحد قد كتب الله المصيبة و الأجل و قسم المعيشة
و العمل**

هیچ کس از دیگری بکسب تواناتر نیست که خدا مصیبت و مرگ را رقم زده و معیشت و
کار را تقسیم کرده است.

لیس بمؤمن مستكمل الإيمان من لم يعد البلاء نعمة و الرّخاء مصيبة.

هر که بلا را نعمت و فراوانی را مصیبت نداند ایمان وی کامل نیست.

لیس بعد الموت مستعتب.

پس از مرگ عذر پذیری نیست.

لیس بکذاب من أصلح بین اثنین فقال خیرا أو نمی خیرا.

هر که میان دو تن اصلاح دهد و خیری گوید یا خیری نسبت دهد دروغگو نیست.

لیس بین العبد و الشّرك إنا ترک الصّلاة فإذا ترکها فقد أشرك.

میان بنده و شرک جز ترک نماز فاصله نیست و چون نماز را ترک کند مشرک است.

لیس شیء أثقل فی المیزان من الخلق الحسن.

در میزان اعمال، چیزی سنگین تر از خوی نیک نیست.

لیس شیء من الجسد إنا و هو یشکو ذرب اللّسان.

هیچ عضوی نیست مگر از آزار زبان شکایت دارد.

لیس منّا من غشّ مسلما أو ضرّه أو ما کره.

هر که با مسلمانی تقلب کند یا باو ضرر رساند یا با وی حيله کند از ما نیست.

لیس منی إلا عالم أو متعلم.

هیچ کس از من نیست بجز دانشمند یا دانش آموز.

لا أشتري شيئاً ليس عندي ثمنه.

چیزی که قیمت آن را ندارم نمی خرم.

لا إيمان لمن لا أمانة له.

هر که امانت ندارد ایمان ندارد.

لا تدعنّ حقاً لغد فإنّ لكلّ يوم ما فيه.

کاری را برای فردا مگذار که هر روزی تکالیف خویش را دارد.

لا تتمنّوا الموت.

آرزوی مرگ مکنید.

لا تشغلوا قلوبكم بذكر الدنيا.

دل‌های خویش را بذكر دنیا مشغول مدارید.

لا تصحبنّ أحدا لا یری لك كمثل ما یری له.

با کسی که ترا همسنگ خود نداند مصاحبت مکن.

لا خیر لك فی صحبة من لا یری لك ما یری لنفسه.

در مصاحبت کسی که ترا همسنگ خود نداند خیری نیست.

لا خیر فی مال لا یزراً منه و جسد لا ینال منه.

در مالی که آفت بدان نرسد و تنی که مصیبت نبیند خیری نیست.

لا طاعة لمخلوق فی معصیة الخالق.

اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست.

لا مظاهره أوثق من المشاورة و لا إیمان كالحياء.

تعاونی بهتر از مشورت نیست و ایمانی چون حیا نیست.

لا فاقه لعبد یقرأ القرآن و لا غنی له بعده.

بنده ای که قرآن خواند فقیر نشود و او را بالاتر از قرآن بی نیازی ای نیست.

لا کبیره مع استغفار و لا صغیره مع إصرار.

با استغفار هیچ گناهی کبیره نیست و با اصرار هیچ گناهی صغیره نیست.

لا ینبغ العبد حقیقة الإیمان حتی یحزن من لسانه.

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا زبان خویش نگهدارد.

لا یخلون رجل بامرأة فإنّ ثالثهما الشیطان.

مرد نباید با زن بخلوت نشیند که سومیشان شیطان است.

لا یرحم الله من لا یرحم الناس.

خدا بکسی که بمردم رحم نکند رحم نمی کند.

لا یستقیم ایمان عبد حتی یستقیم قلبه و لا یستقیم قلبه حتی یستقیم لسانه.

ایمان بنده به استقامت نیاید تا قلب وی به استقامت گراید و قلب وی به استقامت نگراید تا زبان وی به استقامت آید.

لا یلدغ المؤمن من جحر مرتین.

مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود.

ما ینتظر أحدکم من الدنیا إلا غنی مطغیا أو فقرا منسیا أو مرضا مفسدا أو هرما مفنّدا أو موتا مجهزا.

از دنیا چه انتظار دارید، جز غنائی که طغیان آرد یا فقری که نسیان آرد یا مرضی که فساد آرد یا پیری که زبونی آرد یا مرگی که به سرعت از پا در آرد.

ما استرذل الله عبدا إلا حطّ عنه العلم و الأدب.

خدا بنده ای را پست نشمارد مگر آنکه علم و ادب را از او فرو گذارد.

ما شقی عبد قطّ بمشورۀ و ما سعد باستغناء برأی.

هیچ کس از مشورت بدبخت نشد و از خود رایی خوشبخت نشد.

ما قلّ و کفی خیر ممّا کثر و ألهی.

اندکی که کفایت کند بهتر از بسیاری که مایه بطلت شود.

ما عال من اقتصد.

هر که میانه روی کند فقیر نشود.

ما رأیت مثل النار نام هاربها و لا مثل الجنة نام طالبها.

چون جهنم چیزی ندیدم که گریزنده آن خفته باشد و نه چون بهشت که طالب آن خفته باشد.

ما أنت محدث قوما حديثا لا تبلغه عقولهم إلا كان على بعضهم فتنة.

وقتی با قومی سخنی گوئی که عقولشان بدان نرسد برای بعضیشان مایه فتنه خواهد بود.

ما جمع شی إلى شی ء أفضل من علم إلى حلم.

چیزی با چیز دیگر فراهم نیامده که از دانش و بردباری بهتر باشد.

ما سلط الله القحط على قوم إلا بتمردهم على الله.

خدا قحط را بر گروهی مسلط نکند مگر برای نافرمانی که از خدا کرده اند.

ما من جرعة أحب إلى الله تعالى من جرعة غيظ يكظمها عبد، ما كظمها عبد إلا ملاء الله تعالى جوفه إيمانا.

هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که بنده ای فرو برد محبوب تر نیست. هر بنده ای جرعه خشم فرو برد خدا ضمیر او را از ایمان پر کند.

ما من خارج خرج من بيته في طلب العلم إلا وضعت له الملائكة أجنحتها رضا بما يصنع حتى يرجع.

هر که از خانه خویش بطلب دانش بیرون شود فرشتگان بسبب رضایتی که از رفتار او دارند بالهای خویش برای وی بگسترند تا باز گردد.

ما من ذی غنی إلاّ سیودّ یوم القیامه لو کان إنّما أوتی من الدّنیاء قوتا.

هر ثروتمندی روز قیامت آرزو کند که در دنیا فقط قوت خویش می داشت.

**ما من صباح یصبحه العباد إلاّ صارخ یصرخ یا أيّها النّاس لدوا للتّراب و اجمعوا
للفناء و ابنوا للخراب.**

هر صبحدم که بر بندگان در آید بانگزنی بانگ زند: ای مردم برای خاک تولید کنید و برای نابودی فراهم آرید و برای ویرانی بنا کنید.

**ما من قوم یعمل فیهم المعاصی هم أعزّ و أكثر ممّن یعمله ثمّ لم یغیروه إلاّ
عمّهم الله تعالی منه بعقاب.**

هر گروهی که در میانشان گناه کنند و ایشان از گنهکاران قوی تر و بیشتر باشند و جلوگیری نکنند، خدای والا از جانب خویش همه را عقوبت کند.

ما کرهته لنفسک فاکرهه لغيرک و ما أحببته لنفسک فأحبّه لأخیک.

هر چه بخود نمیپسندی بغیر خود میپسند و آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست دار.

ما آمن بی من بات شعبان و جاره جائع إلى جنبه و هو یعلم به.

هر که سیر بخوابد و همسایه او پهلویش گرسنه باشد و او بداند بمن ایمان ندارد.

مثل المؤمن کمثل المنخله لا تأکل إلاّ طیبا و لا تضح إلاّ طیبا

حکایت مؤمن چون غربال است جز پاکیزه نخورد و جز پاکیزه ندهد.

ملعون من ألقى كَلِّه على النَّاسِ.

هر کس همه بار خویش به دوش مردم افکند ملعونست.

ملعون من ضارَّ مؤمناً أو مكر به.

هر که بمؤمنی زیان رساند یا با او حيله کند ملعونست.

ملاك الدين الورع.

اعتبار دین بتقوی است.

من لم يكن له ورع يصدّه عن معصية الله إذا خلا لم يعبا الله بشي ء من عمله.

هر که تقوائی ندارد که بخلوت او را از معصیت خدا باز دارد، خدا باعمال وی اعتنا نکند.

من أخلص لله أربعين صباحاً ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه.

هر که چهل صبحگاه خاص خدا شود چشمه های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری شود.

من كذب بالشفاعة لم ينلها يوم القيمة.

هر که شفاعت را دروغ شمارد روز قیامت از آن بی نصیب ماند.

من سرّه أن يجد طعام الإيمان فليحبّ المرء لا يحبّه إلاّ لله تعالى.

هر که دوست دارد حلاوت ایمان بچشد کسی را فقط برای خدا دوست دارد.

من مشی مع ظالم فقد أجرم.

هر که با ظالمی راه رود گناه کرده است.

من لم ينفعه علمه يضرّه جهله.

هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند.

من فتح له باب من خير فلينتهزه فإنّه لا يدري متى يغلق عنه.

هر که دری از خیر بر او گشودند فرصت غنیمت شمارد که نداند چه وقت بسته خواهد شد.

من أسلم على يديه رجل وجبت له الجنّة.

هر که یکی بدست وی اسلام آرد بهشت بر او واجب شود.

مناولة المسكين تقى ميتة السوء.

عطا به مستمندان از مرگ بد جلوگیری میکند

من مات على شيء بعثه الله عليه.

هر که بحالی بمیرد خدا وی را بهمان حال برانگیزد.

من عدّ غدا من أجله فقد أساء صحبة الموت.

هر که فردا را از عمر خویش شمارد مرگ را خوب نشناخته است.

من أعان ظالماً سلّطه الله عليه

هر که ستمگری را اعانت کند خدایش بر او مسلط کند.

من أحبّ أن يجد طعم الإيمان فليحبّ المرء لا يحبّه إلاّ الله.

هر که دوست دارد لذت ایمان بچشد کسی را دوست دارد که او را جز برای خدا دوست ندارد.

من يدم قرع الباب يوشك أن يفتح له.

هر که بکوفتن در ادامه دهد بر او بگشایند.

ما من جرعة أحبّ إلى الله من جرعة غيظ كظمها رجل أو جرعة صبر على مصيبة و ما من قطرة أحبّ إلى الله من قطرة دمع أهرقت من خشية الله و قطرة دم أهرقت في سبيل الله.

هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که مردی فرو برد یا جرعه صبوری که بر مصیبت نوشد محبوب تر نیست و هیچ قطره ای نزد خدا از قطره اشگی که از ترس خدا ریخته شود یا قطره خونی که در راه خدا ریخته شود محبوبتر نیست.

ما ملأ آدمي وعاء شراً من بطن.

انسان ظرفی بدتر از شکم پر نکند.

ما عبد الله بشيء أفضل من فقه في الدين.

هیچ عبادتی بهتر از دانا شدن در کار دین نیست.

ما أنزل الله من داء إلا أنزل له شفاء.

خدا مرضی نفرستاده جز آنکه شفائی برای آن فرستاده است.

ما أخشى عليكم الفقر و لكنني أخشى عليكم التكاثر و ما أخشى عليكم الخطاء، و لكنني أخشى عليكم التعمد.

از فقر بر شما بیم ناک نیستم بلکه بیم دارم به کثرت اموال تفاخر کنید، از خطا بر شما بیم ناک نیستم بلکه از تعمد بیم دارم.

ما أنكر قلبك فدعه.

هر چه را قلبت نمیپذیرد واگذار

ما تجرع عبد جرعة أفضل عند الله من جرعة غيظ كظمها ابتغاء وجه الله.

هیچ کس جرعه ای ننوشد که نزد خدا از جرعه خشمی که برای رضای خدا فروبرد بهتر باشد.

ما خرج رجل من بيته يطلب علما إلا سهل الله له طريقا إلى الجنة.

هر کس از خانه خویش به جستجوی علمی برون شود خدا برای وی راهی بسوی بهشت بگشاید.

ما زال جبريل يوصيني بالجار حتى ظننت أنه سيورثه.

جبریل در باره همسایه آنقدر سفارش میکرد که پنداشتم همسایه ارث خواهد برد.

ما شَبَّهتْ خُرُوجَ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا مِثْلَ خُرُوجِ الصَّبِيِّ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ مِنْ ذَلِكَ الْغَمِّ وَالظُّلْمَةِ إِلَى رُوحِ الدُّنْيَا.

برون شدن مؤمن را از دنیا به برون شدن کودک از شکم مادر از آن محنت و ظلمت بر راحت دنیا تشبیه میکنم.

مَا ضَلَّ قَوْمٌ بَعْدَ هُدًى كَانُوا عَلَيْهِ إِلَّا أَوْتُوا الْجَدَلَ.

هیچ قومی پس از هدایت بضلال نیفتاد مگر آنکه بجدل خو گرفت.

مَا مِنْ آدَمِيٍّ إِلَّا وَفِي رَأْسِهِ حِكْمَةٌ يَبْدُو مَلِكٌ فَإِذَا تَوَاضَعَ قِيلَ لِلْمَلِكِ ارْفَعْ حِكْمَتَهُ وَ إِذَا تَكَبَّرَ قِيلَ لِلْمَلِكِ ضَعْ حِكْمَتَهُ.

هر انسانی در سر خویش حکمتی دارد که به دست فرشته ایست وقتی تواضع کند فرشته را گویند حکمت او را بر آر و چون تکبر کند به فرشته گویند حکمت او را فرو بر.

مَا مِنْ سَاعَةٍ تَمُرُّ بِابْنِ آدَمَ لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ فِيهَا إِلَّا حَسَرَ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ساعتی بی ذکر خدای بر آدمیزاد نگذرد مگر روز قیامت بر آن حسرت خورد.

مَا مِنْ شَيْءٍ فِي الْمِيزَانِ أَثْقَلَ مِنْ حَسَنِ الْخَلْقِ.

در میزان اعمال چیزی سنگین تر از نیکخوئی نیست.

مَا هَلَكَ امْرَأٌ عَرَفَ قَدْرَهُ.

هر که حد خویش بداند هلاک نشود.

ما عال امرؤ اقتصد.

هر که میانه روی کند فقیر نشود.

مثل المؤمن مثل السنبلة يحركها الريح فتقوم مرّة و تقع أخرى و مثل الكافر كمثل الارزّة لا تزال قائمة حتى تنقر.

حکایت مؤمن چون خوشه است که باد آن را تکان دهد نوبتی بایستد و نوبت دیگر بیفتد و حکایت کافر چون درخت صنوبر است که پیوسته بپا باشد تا از ریشه بر آید.

مثل أهل بيتي مثل سفينة نوح من ركب فيها نجى و من تخلف عنها غرق.

حکایت خاندان من چون کشتی نوح است هر که در آن نشست برست و هر که از آن باز ماند غرقه شد.

مثل المؤمنين في توادهم و تراحمهم كمثل الجسد إذا اشتكى بعضهم تداعى سائرهم بالسهر و الحمى.

حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانیشان چون اعضای تن است وقتی یکیشان رنجور شود دیگران بمراقبت و رعایت او هم داستان شوند.

مثل المؤمن كمثل خامه الزرع، من حيث أتنها الريح كفتها فإذا سكنت اعتدلت و كذلك المؤمن يكفأ بالبلاء و مثل الفاجر كالارزّة صماء معتدلة حتى يقصمها الله تعالى إذا شاء.

حکایت مؤمن چون ساق کشت است از هر سو که باو وزد آن را منحنی کند و چون باد ساکت شود راست شود مؤمن نیز چنین است که به بلیه منحنی شود و حکایت بد کار چون درخت صنوبر است استوار و بر جا و تا وقتی که خدای والا اگر خواهد درهمش شکند.

مثل هذه الدنيا مثل ثوب شقّ من أوله إلى آخره فبقي متعلّقا بخيط في
آخره فيوشك ذلك الخيط أن ينقطع.

حکایت این دنیا چون جامه ایست که از اول تا آخر دریده و به نخ از آخر آویخته باشد
و نزدیک باشد که آن نخ ببرد.

مداراة النَّاسِ نِصْفَ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقَ بِهِمْ نِصْفَ الْعَيْشِ.

مدارا کردن با مردم یک نیمه ایمانست و ملایمت با آنها یک نیمه خوش زیستن است.

ملاك الأمر خواتمه.

اعتبار کار بسرانجام آنست.

منهومان لا يشبعان: طالب العلم و طالب المال.

دو گرسنه اند که سیری نپذیرند طالب علم و طالب مال.

من كثر كلامه كثر سقطه و من كثر ذنوبه و من كثر ذنوبه كانت
النّار أولى به.

هر که گفتارش بسیار باشد خطایش بسیار گردد و هر که خطایش بسیار باشد گناهانش
بسیار شود و هر که گناهانش بسیار باشد جهنم برای او شایسته تر است.

من كان ذا اللّسانين في الدّنيا جعل له يوم القيامة لسانان من النّار.

هر که در دنیا دو زبان باشد برای وی روز قیامت دو زبان از آتش نهند.

من تفاقر افتقر.

هر که فقیری کند، فقیر شود.

من قتل عصفورا عبثا جاء يوم القيامة و له صراخ عند العرش يقول ربّ سل هذا فيم قتلني في غير منفعة.

هر که گنجشکی را بیهوده بکشد روز قیامت بیابد و نزد عرش فریاد زند و گوید پروردگارا از این پپرس برای چه مرا بی فائده کشت.

من أصبح معافی فی بدنه آمنة فی سربه عنده قوت یومه فكأنما خیرت له الدنیا بحذاقیرها.

هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست.

من أحبّ عمل قوم خیرا کان أو شراً کان کمن عمله.

هر که عمل گروهی را خوب یابد دوست دارد چنانست که آن را انجام داده است.

من یزرع خیرا یحصد زعبه و من یزرع شراً یحصده.

هر که خیری بکارد سود برد و هر که شری بکارد آن را بدرود.

من کثرت صلاته باللیل حسن وجهه بالنهار.

هر که شب نماز بسیار کند بروز چهره اش نیکو شود.

من كذب على متعمداً فليتبوء مقعده من النار.

هر که به عمد بر من دروغ بندد جایش از آتش پر شود.

من تشبه بقوم فهو منهم.

هر که بگروهی تشبه جوید از آنهاست.

من أحب لقاء الله أحب لقاء الله و من كره لقاء الله كره لقاءه.

هر که دیدار خدا را دوستدارد خدا دیدار وی را دوست دارد و هر که دیدار خدا را ناخوش دارد خدا نیز دیدار وی را ناخوش دارد.

من فارق الجماعة مات ميتة جاهليّة.

هر که از جماعت ببرد به رسم جاهلیت بمیرد.

من خاف الله خوّف الله منه كلّ شيء.

هر که از خدا ترسد خدا همه چیز را از او بترساند.

من لا يستحي من الناس لا يستحي من الله.

هر که از مردم شرم ندارد از خدا شرم نکند.

من كان سهلاً هيّنا ليّنا حرّمه الله على النار.

هر که آسانگیر و نرم و ملایم باشد خدا او را بجهنم حرام کند.

من غرس غرسا لم يأكل منه آدمي ولا خلق من خلق الله إلا كان له صدقة.

هر که درختی بکارد هر بار که انسانی یا یکی از مخلوق خدا از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود.

من باع عيبا لم يبينه لم يزل في مقت الله و لم تزل الملائكة تلعنه.

هر که چیز معیوبی فروشد و نگوید پیوسته در دشمنی خدا باشد و فرشتگان پیوسته او را لعنت کند.

من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان فليتق الله في النصف الباقي.

هر که زن بگیرد یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده از خدا در باره نیم دیگر بترسد.

من تمنى على أمتهى الملاء ليلة واحدة أحبب الله عمله أربعين سنة.

هر که برای امت من یک شب آرزوی گرانی کند خدا چهل سال عبادت او را باطل کند.

من أكرم امرأ مسلما فإنما يكرم الله تعالى.

هر که مسلمانی را گرامی دارد خدای والا را گرامی داشته است.

من أحسن فيما بينه و بين الله كفاه الله ما بينه و بين الناس و من أصلح سريره أصلح الله علانيته.

هر که رابطه خویش را با خدا نیک کند خدا رابطه وی با مردم نیک کند و کسی که باطن خویش به صلاح آرد خدا ظاهر وی بصلاح آرد.

من اتقى الله وقاه كل شيء .

هر که از خدا بترسد خدا او را از همه چیز محفوظ دارد.

من أحب شيئا أكثر من ذكره.

هر که چیزی را دوست دارد یاد آن بسیار کند.

من أحب قوما حشره الله في زمرةهم.

هر که گروهی را دوست دارد خدا وی را با آنها محشور کند.

من روع مؤمنا لم يؤمن الله روعته يوم القيامة و من سعى بمؤمن أقامه الله مقام ذل و خزي يوم القيامة.

هر که مؤمن را بترساند خدا روز قیامت ترس او را با امنیت بدل نکند و هر که از مؤمنی بدگویی کند خدا روز قیامت او خوار و زبونش کند.

من ربي صغيرا حتى يقول: لا إله إلا الله لم يحاسبه الله.

هر که طفلی را تربیت کند تا لا اله الا الله گوید خدا از او حساب نخواهد.

من رضى من الله باليسير فى الرزق رضى الله منه بالقليل من العمل.

هر که از خدا بروزی اندک راضی شود خدا از او بعمل اندک راضی شود.

من فقه الرجل أن يصلح معيشته و ليس من حب الدنيا طلب ما يصلحك.

اصلاح معیشت از دانش مرد است و جستجوی چیزی که معاش تو را بصلاح آرد دنیاپرستی نیست.

من انقطع رجأؤه ممّا فات استراح بدنه و من رضی بما قسمه الله قرّت عينه.

هر که از نابود شده امید ببرد راحت شود و هر که بقسمت خدا راضی شود آسوده گردد.

من أحسن فيما بينه و بين الله كفاه الله ما بينه و بين الناس و من أصلح سريره أصلح الله علانيته و من عمل لآخرته كفاه الله دنياه.

هر که روابط خویش با خدا نیکو دارد خدا روابط او را با مردم به صلاح آرد و هر که پنهان خویش اصلاح کند خدا عیان او را بصلاح آرد و هر که برای آخرت خویش کار کند خدا دنیای وی را کفایت کند.

من أذاع فاحشهُ كان كمتديها و من عير مؤمنا بشي ء لم يمت حتى يركبه.

هر که عمل بدی را شایع کند چون عامل آنست و هر که مؤمنی را بکاری عیب کند نمیرد تا مرتکب آن شود.

من لا أدب له لا عقل له.

هر که ادب ندارد عقل ندارد

من طلب شيئاً و جدّ وجد.

هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید.

من الصدقة أن تسلّم على الناس و أنت تطلق الوجه.

از جمله صدقه اینست که بمردم سلام کنی و گشاده رو باشی.

المسلم من سلم المسلمون من لسانه و يده.

مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشد.

المؤمن يسير المئونة.

مؤمن کم حاجتست.

المتعبّد بغير فقه كالحمّار في الطّاحون.

کسی که بی دانش عبادت کند چون الاغ آسیاست.

المؤمن للمؤمن كالبنیان المرصوص يشدّ بعضه بعضا.

مؤمن نسبت بمؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یک دیگر را استحکام بخشد.

المؤمن مرآة المؤمن و المؤمن أخو المؤمن يحوطه من ورائه.

مؤمن آئینه مؤمنست مؤمن برادر مؤمنست از پشت سر مراقب اوست.

النّظافة من الإيمان.

پاکیزگی از ایمانست.

النّياحة من عمل الجاهليّة.

نوحه گری از عمل جاهلیت است.

نعمتان مغبون فيهما كثير من الناس: الصّحة و الفراغ.

دو نعمتست که بسیاری مردم در آن مغبونند صحت و فراغت.

نعم الشَّفيح القرآن لصاحبه يوم القيمة.

چه نیکو شفیعی است قرآن در روز قیامت برای کسی که قرآن خوانده باشد.

نوم العالم أفضل من عبادة العابد.

خواب دانشمند از عبادت عابد بهتر است.

النَّاس كلهم عيال الله فأحبهم إليه أنفعهم لعياله.

مردم همگی کسان خدایند و محبوبتر از همه پیش خدا کسی است که برای کسان او سودمندتر باشد.

النَّاس أشبه بزمانهم.

مردم بروزگار خویش مانند.

الندم توبة و التائب من الذنب كمن لا ذنب له.

پشیمان شدن چون توبه کردن است و هر که از گناه توبه کند چنانست که گناه نداشته.

النَّظر إلى الخضرة يزيد في البصر.

بسبزه نگریستن بینائی را افزون میکند.

هلكت الرجال حين أطاعت النساء.

مردان که اطاعت زنان کنند بهلاکت افتند.

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ.

روزگاری بر مردم بیاید که هر که خواهد دین خود نگهدارد چنان باشد که آتش بدست گرفته باشد.

يَطْبَعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خَلْقٍ لَيْسَ الْخِيَانَةُ وَالْكَذِبُ.

مؤمن هر خوئی تواند داشت مگر خیانت و دروغ گوئی.

يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَبْقَى مَعَهُ اثْنَتَانِ الْحَرَصُ وَالْأَمَلُ.

فرزند آدم پیر می شود و دو چیز با وی میماند حرص و آرزو.

يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ.

دست خدا همراه جماعتست.

يَسْرُوا وَ لَا تَعْسَرُوا.

سهل گیرید و سخت مگیرید.

يُوزَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَدَادُ الْعُلَمَاءِ وَ دَمُ الشَّهْدَاءِ فَيَرْجَحُ مَدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دَمِ الشَّهْدَاءِ.

روز قیامت مرکب دانشوران و خون شهیدان را همسنگ کنند و مرکب دانشوران بر خون شهیدان مرجح شود.